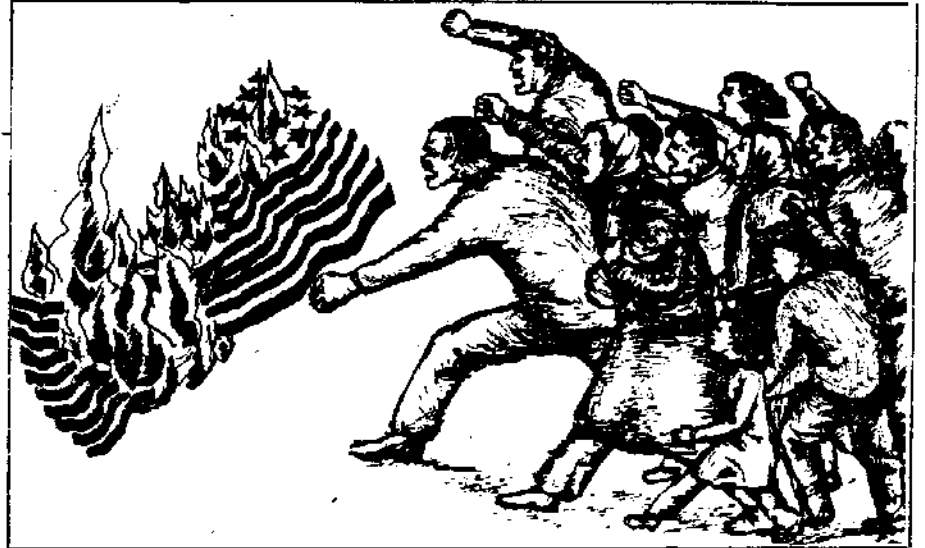


صفحات دیگری خوانید:

- اخبار مبارزات دانش آموزی
- هنر و ممت (آخرین نامه)
- کمونیست ها چه کسانی هستند

هرچه گسترده تر مبارزات ضد امپریالیستی خلقهای ایران



بگذارد خون رزندگان خلق دماره شعله کند | سر باز کند ، سر احرصین را ، خلقها با گامهای کهنه
بگذارد از دهان خشمگین توده ها انتقعاتی سوزنده
بقیه در صفحه ۳

چرا تحریم انقلابی

مبارزات توده ها اوج نویی مایه ، فریادهای
مردی بر آمریکا ، مرگ بر امپریالیسم از هر مومنتی
افکنده است . هیئت حاکیه که می کوشد چهره رنگ
باخته خویش را با نقابی ضد امپریالیستی بپوشاند
با استفاده از جو موجود در صند نه حکیم موقعیت خویش
با تثبیت قانون اساسی خیرگان برآمده است . قافل
از آنکه حتی اگر با استفاده از توهم توده ها بتوانند
از آن نسبتاً خوبی برای خیمه شب بازی خویش بدست
آورد هرگز ایمن روز پاره های خیرگان را توده ها
در عمل به چیزی نخواهند گرفت . و فرد است که اوج
خروش و توفنده * خلق این قانون اساسی زمینداران
و سرمایه داران بزرگ و مرتجعین را به زباله دان تاریخ
برتاب کند .

نیروهای انقلابی و کمونیستها از همان ابتدا
که بدون هیچ محتوای مشخصی را به جمهوری اسلامی
 مطرح کردند ، آنگام که به جای مجلس مؤسسان
مجلس ساختگی " خیرگان " مطرح گردید نمایندگان
(را) با آنچنان تقلب هایی که حتی ناظرینسی
که از طرف خود هیئت حاکیه فرستاده شده بودند
مجبور به اعتراف بدان شدند ، به تشکیل جلساتی
برای تصویب قوانین از قبل آماده شده بد ویران نظیر
خواهی مردم پرداختند ، چهره های واقعیسی
این نمایندگان سرمایه داران و زمینداران و مرتجعین
را که با استفاده از توهم توده ها ظاهر ایستاد خود
بقیه در صفحه ۴

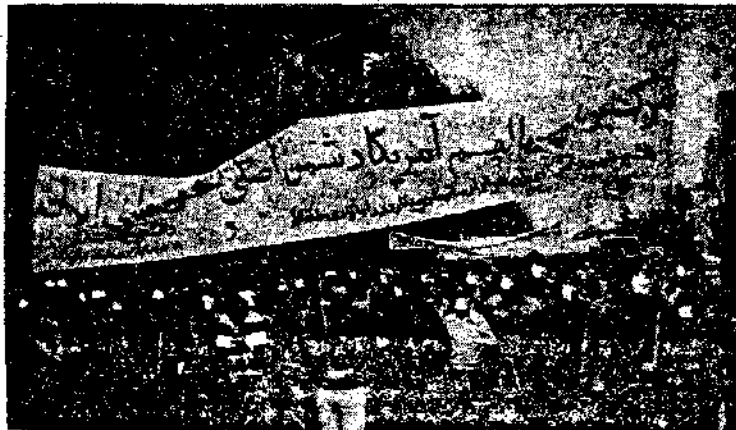
پیوند جنبش دانش آموزی زحمتکشان

در شماره ۲ نشریه " ۱۳ آبان " یکی از مسائلی
که اختصار از گزارش گذشتیم ، مسئله عدم پیوستن
گسترده * دانش آموزان جنوب شهر و فرزندان
زحمتکشان (با جنبش دانش آموزی بود .
این مسئله چه از نظر استحکام و پایداری این
بقیه در صفحه ۷

دانش آموزان زحمتکش همچنان به زیر تازیانه ستم سرمایه داری وابسته



جامعه طبقاتی ، مبرنشین خویش را بر هر چیزی
می گوید . فرق نمی گذرن ، مرد ، پیر ، جوان کودک
از طبقات محروم همه و همه تازیانه ستم بر زحمتکشان
می نشیند . و در این بین ، دانش آموزان زحمتکش
یکی از نمایان ترین چهره های ستم طبقاتی را آشکار
می سازند . امروز ۹ ماه پس از قیام هنر و همجنسان
نظام گذشته ادامه می یابد ، هنر و همچنان دانش
بقیه در صفحه ۲



گزارش راهبر سپاسی

در صفحه ۱۷



دانش آموزان زحمتکش، همچنان به زیر تازیانه ستم سرمایه داری وابسته

هشت، نه سال باشد، چه راهی باقی است؟ تنها یک راه، خواب هم زده‌ترین زمان به صفا انبوه زحمتکش بپیوندند. تازه او خیلی اگر خوش شانس باشد، در این زمان پدر و مادرش هنوز از کار نیفتاده اند و آنان با هم کار می‌کنند، اما چه بسا که از فرط بهره‌کشی و خنثیانه سرمایه داران پدر یا مادر تاکنون به هزار درد گرفتار و زمینگیر شده است و در نتیجه وضع و وظیفه مشکل سری خواهد داشت.

البته پدر خانواده کسی که خود از کودکی، مسره ستم و رنج مرکب جامه طبعی را با پوست و گوشت چسبیده است، به هیچوجه دلش نمی‌خواهد که فرزندش کار کند، آرزو دارد که او بتواند تحصیل کند و خیلی برای خودش آدمی بشود. همیشه هم او ایند می‌دهد که درس بخواند تا که مثل او نشود... اما چهره گرسنگی خود را پیش این پیش‌نشان می‌دهد، هر روز با بالارفتن قیمت‌ها و در نتیجه عدم کفایت دستمزد که یا ثابت می‌ماند و یا این ارقام را بی‌درستی کارگران اندکی بالا می‌رود، چاره‌ای باقی نمانده است، خانواده نیاز به یک کفایت خرج دارد، بدینگو او را بر سر کار می‌گذرانند.

زحمتکش به زحمتکشان افزوده می‌شود. اما این امکان مرقی ندارد. هنوز سنی از او نگذشته و در حال درس خواندن است.

ممکن است در چنین خانواده‌ای که بزرگترین باسخت‌بارترین شرایط لقمه نانی فراهم می‌آورد بیگانه‌نشد و در همین حال از گرسنگی نمرد؟ پدر که کاری کند ماهی حداکثر ۱۲۰۰ تا ۱۵۰۰ تومان می‌گیرد. ماهی حداقل ۲۰۰ تومان کرایه خانه سه نیمه بران، بی نیرو و تجهیزات است. سود جوشی حریفانه و دیوانه و سرمایه داران هم که سبک‌گراسی تحمل ناپذیر می‌شود، حتی اگر قیمت جای و قند و نان و ... اجناس لازمی از این نوع را حساب کنیم در ماه حداقل ۴۰۰ تومان باید برای این کار گذاشت. کمترین مارتباطه‌ای تنگ‌تنگی بسیار نزدیک با بکسورهای غارتگر امپریالیستی دارد. از این طریق کار اجبار می‌کنند که کالاها را ضروری مان را گران و گران تر از نشان خریداری نمانیم و همه این فشارها بر دوش خانواده‌های زحمتکش منتقل می‌شود. تازه خرج پوشاک و دست و پا کردن و خانواده‌گرائی، تهیه و وسایل و ابزار ضروری دیگر هم هست. پدر زحمتکش خانواده تمام توان خویش را بکار می‌گیرد تا سرحد مرگه کاری کند، آنقدر که شبها از فرط خستگی نه تنها حال و حوصله‌ای برای این باقی نمی‌ماند بلکه همین کمترین سرنی ندارد بر روی بالاسن و تراصل بی‌پایانی می‌شود. اما با اینهمه هفتش در نظر و هشتش است. همیشه حقوق و دست‌حالی است. برای پسر بزرگتر خانواده هر چند که سن او

آموزشی که نقش ستم بر چهره شان آشکار است می‌بهرند برای ادامه تحصیل و برای سیر کردن شکم خود و حتی خانواده خود تن بگاردهند و هنوز... در این نوشته می‌کوشیم به بررسی غل اجبار این دانش آموزان به کار کردن در زمان تحصیل، شرایط تحصیل و مشکلات طاقت فرسای آنان و بویژه به وضع آنان بعد از تمام سپردنیم.

چرا کار طاقت فرسا و تحصیل با هم دانش آموزانی که در چنین تحصیل به کار هم مشغولند، هوساً از خانواده‌های زحمتکش و کارگرند. اندک توجه‌ای به شرایط زندگی شان، عدالت کار کردن آنان را بر بند می‌سازد. شرایط اقتصادی ناگوار خانوادگی، طبع اعلی کار کردن آنان است. این دانش آموزان یا از خانواده‌های کارگری اند و یا از خانواده‌های دهقانان صبر صورت‌عضوی از اعضا خانواده زحمتکش اند. خانواده‌ای که هیچگاه سیر نیست، هیچگاه به نیاز ضروری اش فراهم نیست، هیچگاه از یک سهانه مطلق برخوردار نیست. و تحت این شرایط رنجبار، شرایطی که نظام طبقاتی سرمایه داری وابسته فراهم آورده است، هر عضو خانواده ناچار است از همان کودکی، همان زمانی که دستش به دهانش می‌رسد تن به کارهای یونگونی دهد. آخر چگونه

هزینه تحصیل برای زحمتکش پرداخت باید کرد

دانش آموزان زحمتکش ...

ابتدائی ترین کاری که بهترین های این دانش آموزان قرار می گیرد خرد و فروشی است - صبحها برسنگسوز در کنار خند قها و خرابه های کارخانه به فروختن بهسکویت ، آدامس ، شامپو ، ... میرد آزند - ولی این کار که نمی تواند کفاف حتی خرج خودشان را - بدهد و آنها را به جباریوه کارخانه های آلوده - درج کارخانه های ریسنده می مانند بی پشت دستا هیا بزرگ کنار کارگران بیرو جوان ، زن و مرد ، در سرد و صدا و دود و کارخانه شمول کار میشوند - کاری که خون و گوشتشان را می بلعد و جیب سرمایه داران و امپریالیست را پر می کند .

مشکلات دانش آموزان زحمتکش چیست؟

بهترین بیچه ها شبانه درس می خوانند و - صبحها کاری کنند (بعضی هم صبح به مدرسه می روند و شبها کاری کنند) آنها اکثر " جمعها " نیز کاری کنند - سرکار به طاعت کی سن و نواوری به حقوق خود تحت استثمار شدید کارفرما و سرمایه دار فرار دارند - کارفرما به اندازه " کارگر معمولی از آنها کار میکند چه اندازه سن کیشان بدانها حقوق میدهد - استثمار شدید ساعت فرسودگی و خستگی زیاد از حد آنها می گردد - پول نهار عدت " به عهده " خود آنهاست و با اگر در کارخانه به آنان غذا میدهند ، غذا بسیار بد و غیر بهداشتی است - کرایه رفت و آمد نیز و خرجهای از این دست مستقی از دست مزدشان را می بلعد و شپه به هم بار سنگینی است بر دوشان - کتابهای درسی آنان دست دوست و صنفات زیادی از زمین رفته اند - دستسوز ناچیزش هم خرج خانواده را تا زمین نمی کند - بیماری صول دوا و درمان هم لحظه ای او را نوازه اش را - تا " مین نمی گذارد - با اینهمه مشکلات او بعد از کار به سرکار می میرود - در این شرایط چگونه می توان تحصیل کرد ؟ در سرکار سن خسته و خواب آلود چشم به کتاب پاره می دوزد - کلا سها شلوغ و اکثر " تا ۸ نفر در یک کلاس درس می خوانند - کلا سها -



گرسنه نیروی کارشان هستند - آری این وضع عمومی دانش آموزان زحمتکش است -

پس از قسام قهرمانان توده ها در پهلوان ماه سال گذشته ، هیئت خاکه چه قدمهایی در رفع مشکلات آنان برداشته است ؟

آنها که مبارزه ضد امپریالیستی و دیکتاتوریک خلق و رو به اوج نهاد - شور و هیاهو در میان دانش آموزان شعله کشید - در میان دانش آموزان در رژیم گذشته همیشه از همه دانش آموزان زحمتکش به مبارزه رو آوردند - چرا که آنان بیش از همه مزه ستم سرمایه داری و ایست را - چشیده بودند - حماسه های نبرد این دانش آموزان - صفات درخشان جنبش دانش آموزی است - آری ، اگرچه عدت " همین جوانان زحمتکش بودند که پیشاپیش مبارزات توده ها حرکت می کردند و در - سرنگونی رژیم سرمایه داری و ایست به امپریالیسم شاه خائن نقش عمده ای داشتند ولی پس از قسام زمانی که رهبران خرد و بورژوازی مرده با بورژوازی امپیرال سازش کردند و دست در دست هم در برابر انقلاب و پاییزش بورژوازی و ایست در میان خود درجهت بازگرداندن و ترجمه نظام گذشته گام برداشتند - در مورد دانش آموزان هم در میان شرایط گذشته برقرار ماند - هیچ قدمی در جهت رفع مشکلات تیشمار آنان برداشته نشده است - هنوز امکانات مدارس همان امکانات سابق است ، شهریه هانه تنها از زمین نرفته بلکه با تصویب شهریه های ۹۰۰۰ ریالی و ۱۲۰۰۰ ریالی از طرف وزارت آموزش و پرورش بسیار ری از آنان را از راه " تحصیل محروم می دارد - (روزنامه سسه باعداد ۵۸ / ۲ / ۲۳) و نیز آموزش و پرورش (با بلا تغییر ماندن شرایط زحمتکشان ، هنوز همان عواملی که دانش آموزان خانواده های زحمتکش را به کاروان فرما

ابتدائی ترین امکانات آموزشی محروم است ، همواره کبود معلم مسئله معمولی مدارس فرزندان زحمتکشان در جنوب شهر شمار سی آید و کلا سهایی گسسه بیشتر به بیخوله ها شبیه است ، محل درس خواندن آنهاست برای درمان مانند از مراد در مدرسه مجبورند که پنجره های شکسته شده را با نایلون بسته پوشانند و سرکار سن فشرده پیش هم بنشینند - این دانش آموزان بعد از کلاس خسته و کوفته و نیمه جان به خانه میروند - پدر هم از سر کار آمده ، خسته و هشیانی و مادر خسته از کار روزانه ، خانه شلوغی سرورده ... آن چند ساعتی که دانش آموزان در خانه سر می کنند ، با مشکلات پایان نمی یابد ،

خانه یک سراج موشی است که تابستانها دم کبرده و زمستانها شیشه یخچال است - سقف خانه هسسر دم در معرض خطر ریزش است -

درس و کلاس چون در محیطی خفه ، به شکلی خشک ، غیر قابل استفاده در مسائل و مشکلات روزانه هر طومون یا محیط زندگی و ... است آنچه که به آنان آموخته می شود خود زهری است که از دندان طبقات حاکم به جانشان می ریزد ، آموزش استعماری ، می کشد چشم آنان را با نوعیت بی بند و بسته از زندگی در کتابها خبری است و نه از زندگی که میزند ، نه " دارا " و نه " سارا " در مرحله شان وجود خارجی ندارد (که با ماشین پدیده مدرسه می روند و ...) و نه مطالبی از طومون را که در کتاب می خوانند می توانند در آزمایشگاه و در عمل ببینند و چرا که طبقات حاکم چون کفتاران گرسنه منظورند هر چه زود تر آنان برای همیشه جای پدران و مادران - زحمتکشان را بگیرند و در کارخانه ها مشغول بکار شوند طبقات حاکم هیچ سودی در بر ندارند ، امکانات آموزشی برای فرزندان زحمتکشان فراهم آورند - آنان



چرا تحریم انقلابی؟

تجاوز به آزادیهای دموکراتیک را در قالب اگرومکرها
زمان شاه خانی

اصل ۲۶ "حزب و جمعیتها و... آزادند
شروطه به اینگونه موازین اسلام و اساس جمهوری -
اسلامی را قائل نمیشوند"

باز هم شرط ناخوشایند دیگری که نهایتاً به تفسیح
طبقات حاکمه، سرمایه داران و زمینداران وغیره -
تمام خواهد شد.

در باره تساوی حقوق زن و مرد قانون اساسی
چنین می گوید: "دولت موظف است حقوق زن را در -
تمام جهات با رعایت موازین اسلام رعایت نماید"

همچنین در این موازین اسلام در رابطه با این
اصل چیست؟ در طبقه ۲۹ هیچ الملاحظه ای نیست
که "زنها" از اینها وارث و خرد کم بهره هستند...

وجهت نقصان خودشان نیست که در اسلام گواهی
دو زن بجای گواهی یک مرد است... و از جهت نقصان
نصیب و بهره هم ارث آنها نصف ارث مردان است...

خلاصه در هیچ امری بگنجانده نشده است
نمایند تا درگاه و کردار تا شایسته علم نمیشوند...
الله ختمی در رابطه با این اصل در سال ۱۳۴۲ -

توضیح المسائل می نویسد "زنی که عقد دائمی شده
نیاید بدون اجازه شوهر از خانه بیرون رود و باید خود
را برای هر لذتی که او میخواهد تسلیم نماید و بدون
قدر شرعی از نزدیکی کردن او جلوگیری نکند و اگر از اینها

از شوهر اجابت کند، تنبیه غذا و طایمان و منزل او و لوازم
دیگری که در کتب مذکور شده بشوهر او وارد است..."

پس زن منظر موازین اسلام موجود است... برای
خوشگذرانی شوهر، در جای دیگری فحشاء قانونی
می کند و در سال ۱۳۴۶ می نویسد "زنی که
صیغه شده اگر نداند که خرجی همگوشی ندارد

عقد واضح است و برای اینکه نس باشد حق
بشوهر پیدا نمی کند... موازین اسلام در رابطه
با تساوی حقوق زن و مرد نقد روشن است که

احتیاج به توضیح اضافی را لازم نمی دانیم...
قانون اساسی حقوق خلفه را در اصل ۱۹ چنین
بیان می کند: "در جمهوری اسلام مردم ایران از

هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند
و رنگ و نژاد و زبان و مذهب آنها، سبب امتیاز نخواهد
بود"

قوم و قبیله دیگر چیست... اگر معنی دیگر این اصل
را بخوانند اینطور میشود قبیله کرد و قوم فارس از حق
مساوی برخوردارند... خواست اصلی خلفها خود

مردم انتخاب (۱) گردیدند... انشائی نمودند... اکثر
نیز از همین پوست که نیروهای انقلابی و کمونیست به
همراه توده های آگاه با تحریم این رفتارند و نشان
دادند که مجلس خبرگان، روزنامه دوم برای رای مثبت
و منفی دادن به آن جزو بیگانه ها چیز دیگری
نموده... و نه باید بگویند و در این موارد کس
با کل آن که با نوبت گشتن و حمایتش نسیب است
آهسته ناپدید دارند...

از همین پوست دانش آموزان هواداران بیکار در راه -
آزادی طبقه کارگر نیز به همراه دیگر خلفهای آگاه
و نیروهای انقلابی و کمونیست این رفتارند و دوم را تحریم
کردیم...

در شماره های قبل ۱۳ آبان قسمتی از قوانین
دست پخت خبرگان را بررسی نمودیم... در اینجا
برای نشان دادن ماهیت ارتجاعی این قوانین، به
ذکر مواردی دیگر از آن می پردازیم... تا به این
بنفع چه کسانی تهیه و نوشته شده است و این قانون
متعین کننده، نافع چه طبقه ای است؟

اصل ۲ جمهوری اسلام نظامی است بر پایه ایمان
...
۱- خدای یکتا (لا اله الا الله) و اختصاصاً می
حاکمیت و تشریح به او تسلیم در برابر او...
۲- وحی الهی... ۳- معاد... ۴- عدل...
۵- امامت... ۶- کرامت...

در این اصل که سیستم سیاسی، اقتصادی، اجتماعی
جمهوری اسلام را مشخص می کند هیچ حقیقی
برای توده ها قائل نیست، حاکمیت را به خدای تمام
طبقات می سپرد... خدای که هم خدای سرمایه داران
و زمینداران است و هم خدای کارگران و زمینداران
دیگر هر کسی می داند که منافعی که مفروض کارگران
دارند یا منافع سرمایه داران زمین تا آسمان فرقی
دارد... و اگر سرمایه داران بر سر کار باشند، منافعی
کارگران پایمال است و برعکس... این اصل با پنهان
ساختن طبقه حاکمه زیر پوشش "حاکمیت اختصاصی به
خدای یکتا دارد" مثلاً "حقوق توده ها را زیر پا گذارده
است... در این اصل علاوه بر این هیچ صحبتی
از امپریالیسم پیروز امپریالیسم آمریکا در میان نیست،
در رابطه با آزادیهای دموکراتیک بند هفتم از اصل
سوم که می گوید "تا" بین آزادیهای سیاسی
و اجتماعی در حدود قانون..."

همه می دانیم که قانون سرمایه داران قانون کارگران
نیست... باید دید پشت این قانون چه طبقه ای
خواهیسته است... اگر قانون، قانون هیئت حاکمه
کوتلی باشد، آزادیهای در حدود و ایمان
قانون، آزادی برای سرمایه داران و زمینداران
می باشد و آزادیهای دموکراتیک و ضد امپریالیستی
در حدود این قانون نمی کشد... در اصل نهم (۹)
نیز صحبت از آزادیهای "شروع" است...
شروع برای چه طبقه ای و طبقه چه طبقه ای
بنظر می آید... حدود آزادیهای دموکراتیک از روی ضد
امپریالیست ضد ارتجاعی بودن گروهها و سازمانها
تعیین شود...
اصل ۲۴ هم در رابطه با آزادی مطبوعات می گوید
تشریفات و مطبوعات در میان مطالب آزادند مگر آنکه
مخل به مانی اسلام یا حقوق عمومی باشند، تفصیل
آن را قانون تعیین می کند... باز هم شرط و شروطی
که اسلام مشخص نیست که مانی اسلام چیست... یا
حقوق عمومی از نظر خبرگان چیست... در این مرحله
از انقلاب تشریفات و مطبوعات ضد امپریالیسم ضد
ارتجاعی باید آزاد باشند... هیچ کس فراموش نمیکند

مختاری واقعی است و تنها از طریق برآوردن این
خواست است که می توان از تساوی خلفها صحبت
کرد...

در اصل ۲۱ اعلام می کنند که: زبان و خط
رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است و دستور
و اسناد و مکاتبات رسمی و کتب درسی باید با همین
زبان و خط باشد... این نیز توهین بزرگی بسره
خلفها است... مثلاً "شما اگر فارسی هستید و زبان
مادریتان فارسی مجبوراً زنده به زبانی مثلاً ژاپنی
تدریس کنید... کتب بخوانید و زبان مادریتان را در
مرحله دوم اهمیت نسبت به زبان رسمی کشور
دهند... از همه بیشتر علکرد دولت در رابطه
با خلفهاست این علکرد به نشان می دهد
که دولت نه تنها نمی خواهد حقوق خلفها
را برآورد... سازد بلکه راه حرکت آنها را پیش گرفته
است...

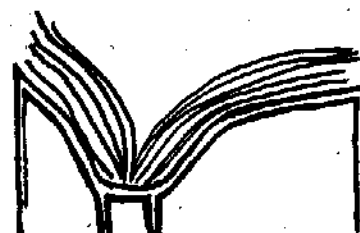
اصل پنجم: در زمان عیث حضرت ولی عصر، عجل -
الله تعالی فرجه، در جمهوری اسلام ایران ولایت
امروا مات برعهده "فقیه عادل و باتقوی، آگاه بسره
زبان عجم، عدیو و عدیو است، که اکثریت مردم
اوپه رهبری شناخته و پذیرفته باشند و در صورتیکه
هیچ فقیه دارای چنین اکثریتی ناعده رهبر
باشواری رهبری مرکب از واجد شرایط بالا طبق
اصل یکمده و هفتم عهده داران می گرد...

در این اصل حاکمیت مردم بر سرنوشتهای زیر
یا گذاشته شده است... ولایت امر و گرداندن مملکت
به عهده فقیه است... در رابطه با این اصل آیت الله
منتظری می گوید: "اگر تمام نمایندگان مجلس اصلی
را تصویب کنند و فقیه آن را نیز بر برای من همین
ارزشی ندارد..."

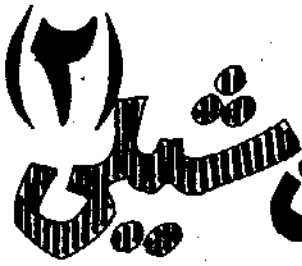
این جمله بقدری زک و راست است که نشان می دهد
نظرات این آقایان درباره حاکمیت مردم بر کارگزاران
چقدر ارتجاعی است... کسی که برای تمام نمایندگان
مردم (یعنی رای همه مردم) در برابر
رای فقیه می ارزش می داند... چه بهای

شوکت کردن مردم در تعیین سرنوشتهای آنها
می دهد... چند کلامی هم از آیت الله خمینی
در باره ولایت فقیه در بیان می آوریم تا خود تفاوت
باید ایشان در کتاب ولایت فقیه می نویسد:
"بایستی رهس و حاکم باشند و اجرای احکام
کنند..." فقه از طرف امام (ع) حجت بر مردم هستند
همه امیر و تمام کارهای مسلمین با آن و اگر از دست
(ص ۱۰۶) و جزا و کسی حق تفاوت ندارد (ص ۱۰۶)
"حکومت اسلام می ناعتمادی است و نه مطلقه
بلکه شرطه است، البته نه شرطه به معنای
ستاری فعلی آن که مصوب قوانین تابع از آنست
و اکثریت باشد (ص ۵)

و از طرف دیگر در قسمت اول اصل ۵ می گویند: "در
زمان عیث حضرت ولی عصر... ولایت امروا مات
برعهده "فقیه عادل و... است...
این نشاندهنده "این امر است که پنداری کس
روحانیت مشروه طلب از حضرت ولی عصر در برابر
صبر دارند... پایان دادن بعظم، مسم از نظر
خودشان بلکه همچنان پایمال ساختن حق مالکیت
مردم و سر بردن تعیین سرنوشتهای به ولی عصر
است... فقیه بزرگ زمسلمان !!!



راه شرفیبرهای داری، مُسخ زحمتشان



چون و جای غلبه کارگر بودند. این معدنچیان و کارگران معدن ذغال سنگ از ترس کفایت ترین و در-
عین حال استثمار شده ترین کارگران هستند و درون
شک در میان تمام کارگران کشور بدترین شرایط
زندگی می کنند. این معدنچیان که در وسط صحرا
و در اردوگاههای غیر بهداشتی و دروازه آلوده
قرار گرفته بودند و در معرض بهره کبی کمپانی های
بزرگ امپریالیستی واقع شده بودند. کمپانی های
که مالک معدن بودند - پیش از تمام کارگران
چه دفعات دست به اعتصاب زده و البته در نتیجه
متحمل وحشیانه ترین سرکوبها، خصوصا در دوران
فره ی شده بودند. در ماه سپتامبر ۱۹۷۷، آنگاه
بالاترین درصد آرا انتخاباتی خود را از دست
مناطق بدست آورد.

البته سطح دستمزده معدنچیان من از حد وسط
دستزد کارگران در سطح کشور بیشتر بود. ولی
این امر به هیچ وجه ارتعالی به سخاوت شرکتهای
ایالات متحده نداشت.

واقعیت عینی اینست که کارگرانی که در معدن من
کاری کنند در عرض پانزده تا بیست سال نیروی کار
خود را از دست می دهند. از لحاظ عمر متوسط در -
پایین ترین سطح قرار دارند و علاوه بر مسائل
بطور متوسط سینه حادثه مرگبار را انتظار آنهاست
... اعتصاب کارگران من با پشتیبانی هم-
معدنچیان، از جمله سوسیالیست ها و کمونیست ها
شروع شد ولی پنج روز پس از اعتصاب در حزب مذکور
به اعضای خود دستور دادند به سرکار برگردند.
در هر جا که اتحادیه های کارگری زیر کنترل احزاب
سوسیالیست یا کمونیست بودند همین وضع وجود
داشت. پس، اتحادیه ملی، مبارزه زشتی
راطبه معدنچیان من و جدا کردن آنها از سایر
کارگران شروع نمود و اتهام ناروایی کارگر،
اشرافی بودن را به آنها وارد ساخت. با پی-
بیا داشت که این، کارگران اشرافی، دارای هر
متوسطی بین ۴ تا ۱۰ سال بودند (۱۱).
اری، دولت آنگاه اینچنین عمل می کرد و تنها
طبقه کارگران مبارز دست به تبلیغات می زد، بلکه
کارگران دیگر مثل معدنچیان زغال سنگ را سر
من انگیخت که کارگران برادر خود را بتوان قسری
مرفعی مورد حمله قرار دهند. و مطبوعات دولتی
رهبرای اعتصاب را قویترین قلمداد می کرد و مثلا
در، گوهر موندنیا، راهبانون، مدنیای نازی، به
کارگران معرفی می نمود.

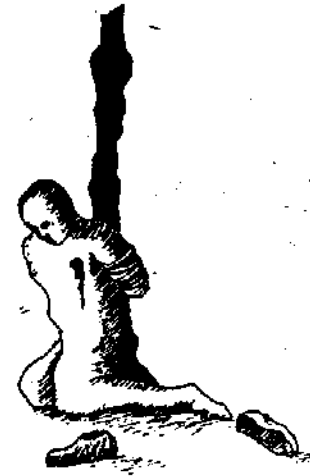
اعتصاب من روز دوام آورد و معدنچیان تسلیم
نشدند. اما آنگاه با روش ضد کارگری خود شرایط
را مساعد کرد تا سرمایه داران از آن سود جویند.
در این زمان بود که حزب دمکرات مسیحی کوشید از این

آنگاه که اساس کار خود را به تکیه بر ابزار دولت
سخت گذشته گذاشت و از طرف دیگر تمام
در چهار چوب گنگره کشور که در آن سرمایه داران -
وابسته و بهر زوازی نقش سلط داشتند قدم بر -
میداشت و هر وسیع طبقه کارگر برای عطیات انقلابی
تمام نیروی آنها را در چهار چوب مبارزات پارلمانی
به هد می داد و همان سازمانهای اولیه کارگری -
(کورون ها) را بدل به زانده دولت اتحادیه
می نمود. و مبارزه طبقاتی کارگران را منحرف می کرد
دولت آنگاه هیچگاه از تضییع جنبش کارگری
دست نداشت. کابینه اتحادیه و وزیران در هر
جگه امکان داشتند کارخانه ای را که بوسیله
کارگران طی ماه اکثر - زمانی که مبارزه کارگران
به اوج تازه ای رسیده بود - تصاحب نموده
بود به صاحبان اصلی آن برمی گرداند (در ایسن
مورد نیز در کارخانه الکتریکی آمریکا نمونه بسازی
می توانند بود)

بر چنین زمینه ای بود که دولت آنگاه اجازه
می داد سرمایه داران با ایجاد کورون ها و فرمایشی
و ساختن از شرکت توده ها و جلوگیری از نظارت
آنها، جنگ فرساینده ای را طبقه ترقی تر
قشرهای طبقه کارگر به شمرسانند.

نقشی که حزب آنگاه در زمان حکومت او در تفرقه
جنبش کارگری بازی کرد، هرگز هیچ یک از احزاب
مرتجع نتوانستند به آن خوبی ایفا کنند. حزب
آنگاه در شکست اعتصابات کارگری بنحوی بسازی
سهم تعیین کننده داشت.

مثلا، یکی از نقاط اساسی برخورد در این دوره
اعتصاب معدنچیان من ال تنهت بود. در سالهای
پیش از ۱۹۷۰، معدنچیان من، پیشتر از آن بسی



وضع بنفع سر سیدن به اهداف خود استفاده کند.
آری روی بنویست های خائن و طرفداران گذار
مسالمت آمیز و " راه رشد غیر سرمایه داری " بهمدها
بدون آنکه واقفیت اعتصابات، شیوه برخوردند -
کارگری دولت آنگاه و دیگر ساااا را مورد توجه
قرار دهند در همه جا دست به تبلیغ کبی زدند و آن
اینکه گویا این اعتصابات بود که زمینه را برای سرنگونی
آنگاه فراهم آورد.

آنان بدون روشن کردن تفاوت توطئه هنبای
وابستگان امپریالیست که تازه شرایط تحقق آن راهم
حازشکاری خود آنگاه رژیم او فراهم آورده بود و
چیزی جز همان اجرای تزه های " راه رشد غیر
سرمایه داری " نبود! این احراکات توده ای، کماکان
به خیانتهای خود ادامه می دهند.

به هر روز نقش تفرقه افکنانه ضد کارگری آنگاه که
در نهایت در خدمت منافع امپریالیست قرار می گرفت و
امکان بهره برداری را به آنان می داد تا همین حد
محدود نبود مثلا، در رابطه با اعتصاب کارگران ال -

تنهت، کارگران یکی از بزرگترین معدن دنیا
، چرکی کاماتا، اعلام پشتیبانی کردند. اما
کارگران طرفدار اتحادیه ملی با پشتیبانی از اعتصاب
مخالفت کردند و اکثریت بسیار کمی موفق به شکست
اعتصاب شدند و در این حال یکی از رهبران حزب
رویونیست آنگاه، لویس فیکه روا، ادعا نمود که
این واقعه به معنی پیروزی کارگران در مقابل
فاشیزم است.

" وقتی که در ماه روشن معدنچیان ال تنهت
به سوی سانتیاگو راه افتادند تا تقاضای ملاقات
و گفتگوی با آنگاه بنمایند " پبلیس گشتی قصد
افتشاش " (که در سرکوبی نظاهرات خیابانی شخص
داشت و مسود نفرت بی حد مردم بود و دولت آنگاه
بقیه در صفحه ۶

راه پیش رو چیست؟

قول داده بود در سال ۱۹۷۰ آنرا منحل کند در روی پلی با آنها روبرو شد و اشدت هر چه تا بیشتر آنها را سرکوب کرد.

نوع دیگری از عملکرد ضد کارگری دولت آئنده را در این واقعه می توان جستجو کرد: در رانگانگواه که نزدیک ترین شهر به معدن است، کارمندان روز (نیروهای پلیس مسلح) به دستور دولت به روشن خاصی خود از جمله بکار بردن زره پوش شروع به برانگیزه نمودن تظاهرات کردند که منجر به حفظ جان نویسنده گان مزدور و سوسیالیست و کمونیست از خطرات ناشی از کارهای حامی اعتصاب اقدام به قتل کارگری نمودند.

آری دولت آئنده نه تنها کارگران را تضعیف می نمود، نه تنها بین آنها تفرقه می افکند بلکه آنها را سرکوب می کرد.

دولت آئنده و ارتش

مارکسیست - لنینیست های واقعی ارتش و نیروهای مسلح را پستاه ابرار اعمال فخر و سرکوب دولت آئنده می کنند و معتقدند که در ضمن دفاع کردن ماشین دولتی، دستگاه نظامی آنها باید منحل کرد و بجای آن نیروهای مسلح توده ای نشانیست. سرتا تاریخ مبارزات پرولتاریا گماهی صحت این نظر مارکس، انگلس، لنین، استالین، ماثو... است.

اما آئنده چه کرد؟

آئنده پستاه ناپایده زمین و زمین در شیلی این قانونی را زینها گذاشت و بجای درهم شکستن ماشین دولتی سرمایه داران وابسته، آن را تصاحب کرد و در نتیجه ارتش ضد خلقی را دست نخورده باقی نهاد. حتی شرکت دادن آنان در کابینه اقتصاد ملی زمینه مناسب را برای کودتا چه مسلح گمانند کارگران و زحمتکاران فراهم آورد. زیرا که پرواض بود طبقات حاکم، سرمایه داران و بسته به امپریالیسم آمریکا، که در مرحله گند بدگی و احتقار هستند، غیرمقبول شینی های تاکتیکی همواره در دست دراز گرداندند تا حاکمیت انحصاری خود بر خواهند آمد به محض آنکه شرایط اجازه دهد حتی دولت سازشکار آئنده را که به هیچوجه به بنیاد انسان صدمه ای وارد نماند بود سرنگون خواهند کرد و تحمل یک رژیم متزلزل و فرصتی را نخواهند نمود. آئنده که ناپایده واقعی توده ها نبود از یکطرف می خواست بر ارتش ضد خلقی تکیه کند، اما از سوی دیگر ارتش امپریالیستی شیلی ابزاری بود در دست سرمایه داران وابسته به امپریالیسم همواره در اندیشه سرنگونی حکومت آئنده باقی مانده بود. اما آئنده چشم خود را بر این واقعه بسته و با تکیه بر ارتش و کوشش در جهت ابقا و توجیه آن، می خواست "راه رشد غیر سرمایه داری" و "گذر مسالمت آمیز" شیلی را پدید کند.

مثلا در ۲۹ ژوئن سرهنگ سپردر... کودتای علیه حکومت اتحاد ملی برآمد، آئنده از طبقه کارگر دعوت نمود که به خیابانها بریزند اما پس از آن توده دقیقه وقتی با فرماندهی نیروهای مسلح سازش کرد دعوت قبلی خود را پس گرفت. آئنده نه تنها با اقدامات سرکوبگرانه نظامیان مخالفت نمی کرد بلکه بارها آنان را تشویق نمود. مثلا نظامیان در سایه قانون کنترل اسلحه کارخانجات و مزارع، با خشونت به بازسازی کارخانه ها پرداختند "اولین بازسازی از این نوع در کارخانه نساجی



لا ترا و استرال واقع در پانزده سال بعد آمد. کشته در آن مبارزان به کمک زدن کارگران پرداختند و اموال شخصی آنها را بر سرقت بردند. سر نیزه کارگری را کتند. اتحاد ملی این عملیات را محکوم نمی کرد.

این نوع بازسازی بارها تکرار شد از جمله بپوش با مسلسل به کارخانه نساجی سومار - مایلون و بجای نهادن کشته ها و سکوت دولت می توان نام برد. این همان نیروهای مسلحی بود که آئنده در سال ۱۹۷۱ در حالی که در تار و پودر او چکمه پوشان محاصره کرده بودند ملی نطق در دانشگاه (کنسیون) گفت: "فقط سرمایه نیروهای مسلح به عنوان رئیس جمهور انتخاب شده ام". هدف آئنده از این همه فریاد چه بود؟ آیا واقعه ای می کرد؟ آیا فقط می پنداشت که می تواند به این طریق بطور مسالمت آمیز نظامیان را بسوی سوسیالیسم بکشانند!!

نه! آئنده بر طبق منابع طبقاتی خود حرکت می نمود، او در صد راهبری زحمتکاران و درهم کوفتن دستگاه نظامی و اداری به روزاوی نبود، او همین دستگاه احتیاج داشت، اما در کتبی نبود، کسانی که با تکیه بر آنان در مقابل مبارزات انقلابی خلق می ایستاد، هرگز حکومت او و در ضمن حال جلا در ده هزار کارگر و دهقان خواهند شد اینچنین بود کمحرف آنکه نظامیان دست نشانده آمریکا با سرداران سرمایه داری وابسته اوضاع را سا دیدند، در سیاتر ۱۹۷۳ ملی کودتایی خونین پایانی ننگین برای راه رشد غیر سرمایه داری فراهم آورد.

مقاومت آئنده در کاخ ریاست جمهوری، این سفر حاکم سرمایه دار، برای حفاظت از نگرانی بپوزواوی، هیچگاه نتوانست نقش تاریخی او را سبوتاژ لیت او را در یکی از درونک ترین ضربات بهیچک طبقه کارگر جهان کند، او مثل یک قهرمان، تنها برای شوق آرمان فرصتی بپوزواوی خود، یعنی راه مسالمت آمیز به سوسیالیسم مقاومت کرد و کشته شد در حالی که از شکل کردن دهها هزار کارگر انقلابی سرانزد و آنا را کج و شنگ بدنهال حرکتهای فرصتی و اصلاح طلبانه خود کشید و آخر هم به کشتار گناه امپریالیسم پیونش جلا در هدایت شدند.

آئنده با پشت کردن به آموزش انقلابی تاریخی مبارزات کارگری به طبقه کارگر پشت کرد. او این درس را که طبقه کارگر هیچگاه از طرف پارلمان بقدرت نخواهد رسید ندیده گرفت. او این درس را که باید دست به شکل توده های انقلابی برای درهم کوفتن دولت بپوزواوی زد ندیده گرفت. او این درس را که هیچگاه نمی توان با تصرف ماشین دولتی، دستگاه نظامی و اداری، بسوی سوسیالیسم رفت و هیچ راه مسالمت آمیزی بطور عام بطرف سوسیالیسم وجود ندارد ندیده

کسرفت. او مبارزات کارگران را تضعیف کرد، دست به تفرقه اندازی در جهت اهداف غیر انقلابی خود زد و حتی آنان را سرکوب نمود با این همه خود را "کمونیست" خواند. و این فریبش نبود. او در کت که مبارزات ضد امپریالیستی و در مبارزات و حرکت بسوی سوسیالیسم تنها با قدرت رسیدن طبقات زحمتکش و بارهبری کارگران ممکن توان بود و سازش کاری و پیش نهاد "در جهت منافع سرمایه داران قدم برداشت و در نهایت آنان چون مهربان ای که دیگر کارگری آید سر به نیمت کش کردند. و بجای رژیم رفیقیتی آئنده، رژیم جلا در پیونش نشست.

پیونش و توده های نوکروخون خود را امپریالیسم بر چنین زمینه امکان یافت کودتایی را به سرانجام رساند که ملی آن دهها هزار تن از مردم شیلی با وحشیانه ترین روشهای ممکن کشته شدند. در جریان این کودتا، بار دیگر آشکار گشت که امپریالیسم آمریکا به چه درجه از فساد رسیده است. توطئه کمپانی های سوسیالیست اجرا شد و شیلی در خون خفت. اما آنچه که گذشت ملی توانم کودتای امپریالیستی پیونش و در پاریس خونریز را که امپریالیسم آمریکا در دشمن اصلی خلقهای شیلی راه انداخته است، بطور مجرد در نظر کنیم و زمینه های راکتور رفیقیت آئنده بوجود آورده بود از نظر دور نگذاریم امروز خلق شیلی به مبارزه ادامه می دهد امروز امپریالیسم و پیونش امپریالیسم آمریکا، چنانچه ای خود در شیلی ادامه می دهد، امروز زمین و بیستاد و روزاوی آن شهرو سوسیالیست امپریالیسم می کوشد همچنان توده های شیلی را از درس آئنده بیرون بکشد و در سالهای گذشته در نگه دارد با حمله گری بار دیگر از بنیاد انقلابی بپوزواوی طبقه کارگر بپوزواوی جلوه گری نمود، او چهاره طبقه کارگر را بدنهال بپوزواوی و خرد بپوزواوی بکشد، در چنین شرایطی است که وظیفه نیروهای واقعا انقلابی پیونش انقلابیون کمونیست شیلی چون همه نمایندگان و سنگین ترین خود. آری تنها با افزایش بر سوسیالیسم مارکسیست - لنینیست و با غرور و افشای زمین و بیستاد و روزاوی است که چه در شیلی وجه دیگر کشورهای تحت سلطه جهان، امپریالیسم و ایادی داخلی شان واقعا در هم کوبیده خواهند شد و انقلاب خلقها به رهبری طبقه کارگر به پیروزی خواهد رسید.



چپ فرسوا



نگاهیم را بسوز

که اینرا خانه تنگ شهرگرد میکردم
چیزی رسورد سخت
آن پارچه های سرخ
آن پارچه های سرخ
که می خواستم نمره برآرم

نگهدارید
نگهدارید

ماتامس آنرا

برای پرچم

روز پروری

من خواهم

بیم هرخانه کاهگی

دردست خواهران کوچک

قالیها قسم

بسان لاله های شعله و انقلاب خلقها

دراختساز

بهررازگراخانه ها

کوره ها

دهکدهها

کرمانشاه - دانش آموز کارگر، کابو

دانش آموزان زحمتکش

وای داشت باقی ماند
هنوز باید درزندگی با همان مشکل تگفته شده سرو
کله بزنند تازه شکل بیگاری نیز کرمانش را گرفته
است

هم توانایی رژیم کثونی درحل مسائل اجتماعی،
کماکان اوضاع را بطور بحرانی باقی نهاد و دراین
حال وضع دانش آموزان زحمتکش زمینه مساعد را برای
اراده مبارزه فراهم می آورد

چگونه شکلات آموزشی این دانش آموزان
زحمتکش برطرف میشود

مسئله بکمان شدن امکانات آموزشی را بطرف
مستقیم با تضاد طبقاتی درون جامعه دارد تا
این تضاد وجود دارد، طبقات حاکم از تمام امکانات
آموزشی درجهت استفاده هرچه بیشتر فرزندانشان
استفاده می کنند. و بدین ترتیب به گونه ای دیگر
سستی دیگر طبقات زحمتکش وارد می آورند. این
مسئله بانگهی کوتاه به مدارس شمال شهر و جنوب
پته دهنده ۱۰

پارسال

نقطه نظرات خود به شما دانش آموزان در مورد چگونگی
پیوند جنبش دانش آموزی با دانش آموزان زحمتکش
و از این طریق پیوند آن با جنبش زحمتکش مبنیان
به طابری رسانید



زحمتکشان با نوشتن و پخش اعلامیه های در توضیح
مسائل روزمره آنان و ... در توضیح نارسائی های
موجود، مشکلات زحمتکشان، عدم خواست و توانایی
هیأت حاکمه در برآوردن آنها بکوشید

بایراه انداختن تظاهرات دانش آموزی در این
مناطق و کشاندن صفوف تظاهرات بسوی محله های
زحمتکشان می توانید به حل مسئله کمک کنید

از سوی دیگر اکنون عدم وجود نشریه های که بزبان
ساده بتواند مسائل محلات زحمتکشی زحمتکشان را بیان
کند کاملاً غمناک است. می توانید با استفاده از
رهنمودها و تجزیه و تحلیل مسائل توسط نیروهای
م - ل - ل مسائل را با بیانی ساده تر و با توجه
به خصوصیات منطقه برای آنها توضیح دهید. نشریه
"۱۳ آبان" نیز می کوشد تا در این باره پیروز طرح
مسائل دانش آموزان زحمتکش به شما باری رساند

نکه ای که پیروز در تظاهرات و اعلامیه ها باید بدان
توجه داشت طموس بودن یک مسئله و سرگردان شدن
دانش آموزان بآن است. (این مسئله بد انجمنی
نیست که مثلا اگر محله نیروهای مرتجع به صفوف
تظاهرات دانشجویان به آنها ارتباط مستقیم ندارد
تا از توضیح آن خودداری می کنیم بلکه بدان معنی
است که ضمن توضیح این مسئله فرقا ارتباط مسئله
فوق را با محله به صفوف تظاهرات کارگران بیگار...

... حمله به خانه های باغ از محدود و ... توضیح
دهیم (و در شانسی باید بهترین شمارها را برای
دانش آموزان این مناطق تعیین و تبلیغ کرد. مثلا
شماره شهریه مدارس الفبا باید گرد " برای بسیاری
از چه های محلات فقیرترین که میزان شهریه
کم است و گاه در صورت اصرار آترام از آنان نمی گیرند
نی تواند مسئله محوری باشد (ولی مسئله جنبی
می تواند باشد) ولی شمارهای مثل " هزینسه
تخصیصی برای زحمتکشان پرداخت باید کرد " که
نیاز دانش آموزانی را که هم کار صی کنند و هم درس
می خوانند را بیان می دارد و یا شهریه مدارس شبانه
الغابا باید گرد (از آنجا که اکثر دانش آموزان شبانه
را افرادی که در روز تحصیل می کنند تشکیل می دهد
و شاید میزان آن بسیار زیاد است) و یا امکانات
تخصیصی مساوی برای مدارس " می تواند از شمارهای
صنعی قابل طرح باشد

در هر حال در آغاز کار مشکلات بسیارند و بی
با جمعی از تجارب خود و دیگران مشارکت
فعال و آگاهانه در مبارزات روزمره توده ها و ...
می توان به حل این مسائل کمک رساند

جنبش و چه از نظر مستحکم نمودن جنبش دانش آموزی
جنبش زحمتکشان اهمیت ویژه ای میابد

مادر ابتدایه پرشردن دلالی چند در توضیح طبع
این واقعیت می برد از هم و آنگاه وظائفی را که برای
حل این مشکل به نظرمان می رسد بیان می کنیم
اکثر دانش آموزانی که صفوف تظاهرات دانش آموزان
را تشکیل می دهند، افرادی هستند از اقشار
متوسط جامعه که از طرفی بدلیل رفاه نسبی خانواده
امکان تهیه کتب اجتماعی و نیز اختصاصی با معانی
از برای مطالعه این کتب دارند و از طرف دیگر
در ارتباط با دانشگاهها می باشند (و دانشگاه
هائیکونه که بر همه روشن است یکی از بهترین
مراکز انتشاری، کتب خیر و ... می باشد)

این مسائل بسبب گشته است که پیروز در مدارس
مؤکثر و اطراف دانشگاهها توجه دانش آموزان
بیشتر و بیشتر را جلب کرد

از طرف دیگر تعداد دانش آموزان آگاه انقلابی در این
مدارس بیشتر بوده، که به امر انتشاری و نشان دادن
راه صحیح اراده انقلاب باری می رسانند

علا و بر این مسئله، میزان اختناق در مدارس جنوب
شهر نیز به باقی ماندن توجه کمک می کند در
سیاری از مدارس جنوب شهر گاه شاهد بوده ایم
که حتی برای جلوگیری از خوش شدن شمار و مطلب بر
روی دیوارهای یک نفر را " مومی کنند تا بی از خروج
دانش آموزان از دستگیری به اجبار می بزنند

و احتمالا " دانش آموز " ضد انقلابی " را دستگیر کند
اما اگر بیان در ارم که اراده جنبش دانش آموزی
کشیده شد و فرزندانش زحمتکشان به

میدان مبارزه است، اگر پیوند جنبش دانش آموزان
و جنبش زحمتکشان معنادار از کانال پای گذاردن
فرزندانش کارگران، دهقانان و سایر زحمتکشان به
میدان نبرد است باید با توجه به مشکلات فوق در صدور
حل آنها برآیم

البته منظور ما از نوشته های قبل این نیست که
دانش آموزان جنوب شهر به صفوف مبارزات پیوسته اند
اخباری که در نشریه از تهران شهرستان نوشته
شده خود شاهد مبارزات آنان می باشد اما هنوز
این توده های وسیع فرزندانش زحمتکشان نیستند
که مبارزه کشیده شده اند بلکه بیشتر اولان آنان
هستند

دانش آموزان پیشرو (پیروزه آثانی که در مناطق
کارگری و ... زندگی می کنند) باید به اشکال گوناگون
در حل این مسائل کوشا باشند. به نظر ما همه ترین
اشکال حل این مشکلات می تواند چنین باشد

دانش آموزان پیشرو (پیروزه آثانی که در مناطق
کارگری و ... زندگی می کنند) باید به اشکال گوناگون
در حل این مسائل کوشا باشند. به نظر ما همه ترین
اشکال حل این مشکلات می تواند چنین باشد

داستان کوتاه

آخرین نامه



آن روز در آن خانه همه با هم جمع شده بودند. آن روز که از آنجا میرفتند، همه با هم گریه می کردند. آن روز که از آنجا میرفتند، همه با هم گریه می کردند. آن روز که از آنجا میرفتند، همه با هم گریه می کردند.

آن روز که از آنجا میرفتند، همه با هم گریه می کردند. آن روز که از آنجا میرفتند، همه با هم گریه می کردند. آن روز که از آنجا میرفتند، همه با هم گریه می کردند.

آن روز که از آنجا میرفتند، همه با هم گریه می کردند. آن روز که از آنجا میرفتند، همه با هم گریه می کردند. آن روز که از آنجا میرفتند، همه با هم گریه می کردند.

آن روز که از آنجا میرفتند، همه با هم گریه می کردند. آن روز که از آنجا میرفتند، همه با هم گریه می کردند. آن روز که از آنجا میرفتند، همه با هم گریه می کردند.

آن روز که از آنجا میرفتند، همه با هم گریه می کردند. آن روز که از آنجا میرفتند، همه با هم گریه می کردند. آن روز که از آنجا میرفتند، همه با هم گریه می کردند.

آن روز که از آنجا میرفتند، همه با هم گریه می کردند. آن روز که از آنجا میرفتند، همه با هم گریه می کردند. آن روز که از آنجا میرفتند، همه با هم گریه می کردند.

آن روز که از آنجا میرفتند، همه با هم گریه می کردند. آن روز که از آنجا میرفتند، همه با هم گریه می کردند. آن روز که از آنجا میرفتند، همه با هم گریه می کردند.

آن روز که از آنجا میرفتند، همه با هم گریه می کردند. آن روز که از آنجا میرفتند، همه با هم گریه می کردند. آن روز که از آنجا میرفتند، همه با هم گریه می کردند.

نمست و مادر در دوان از آن شهر خانه آمد و نامه را از سینه اش بیرون آورد چه پدر را در آنجا نوشته بود. بخوشی به پدر نامه را گرفت و مثل همیشه دستش را بر روی خودش شروع به خواندن کرد. وسط جیب های نامه که رسید قهقهه ای زد و فریاد زد. دستش بطرف پیشانی اش رفت و شکیلا هفت روزگی جالا نژاد و آنوقت در حالیکه پیشانی اش را که بر شکیلا هفت خیس مسوق شده بود می مالید، جالا نژاد فریاد می زد و می گفت که پدر مرا از این دنیا دور کرد. پدر مرا از این دنیا دور کرد. پدر مرا از این دنیا دور کرد.



پس از عرض سلام و احوال وارم که حال شما خوب باشد من نیز سلامتی جز در روی دیدار شده اند. امروز مارا دنیال ماه صبریت فرستادند. از این کار که بیرون

آمدیم هر جا که قدم می گذاشتیم کردید جوری به مانده می کردند. تنوی هردها و شهروی که وارد می شدیم انگار اگر اولی به ندانستن می خواستند پارتانگه که کندید گاهی فحش می دادند. تنوی یکی از دهات. نمی دانم استر چه بود. تیراندازی شد. آنها از داخل خانه هاتیراندازی می کردند. نمی دانم اگر آنها، خدا نخواستند آرم کشند چرا مردم تحملشان نمی دهند. چرا از آنها خوششان می آید؟ از قباد خان. یکی آنچه های گفتم در پاوه مردم تظاهرات می کرده اند. خیلی بوده اند تقریبا تمام مردم به خد ماشعاری راده اند. فرمانده شان به آنها گفته که تیراندازی کنند و آنها هم تیراندازی کرده اند. من این روزها خیلی خلعی ناراحت است. یاد آن روزهای اقدام که - هنوز، اما، نیامده بود. ماهروز تظاهرات می کرد و گاردیها به ما تیر می زدند. یعنی به همین زودی ما جایمان عوض شد؟ در آن دهی که گفتم خیلی از کردها گفته شدند بیشتر هم زن و بچه بودند. بچه های کردها را که ما تیر می زدیم زده بودیم وقتی که می دیدی دل آدم گپ می شد. از ماهم گسسته شدند. محمد هم تیر خورد. تیر خورد به پایش همه شوخی می گفتند همه شهید می شوند. تا اظرف. در آن زمان که اینها هستم هیچ نمی فهمیدم اینجا چه چیز است. اثری از این زبان شاه را دیده ام. هر چه هست همین کردهای ما را می کشند. به قتل می رسانند سلام برمانند. از آنم تا می نویسم. شاید همیشه همین زودی بروی می کشیم.

چندین روز گذشت نگارنی در خانه آنها از احمد آخرین نامه حطقی بیشتر شده بود که کمتر شده بود هر روز که می گذشت و نامه ای نمی رسید، ششل بیزنی بود که روی آتش نگارنی آنها بریزی. و حالا دیگر کم داشت می رسید.

احمد، وقتی از پدرم به بر میگشت روی سگویی کار در حیاط می نشست و چشم به در می داشت و می دید که عده ای بیرون می آمدند و می رفتند و می گفتند که شبیه موتهای من بودی بود، دلش از جا گسسته می شد.

آنروز نیز مثل هر روزی که می گذشت، همان شب نشسته بود و کتاب درسی اش هم روی پاهایش بود، اما با درخ اینک که درس که خوانده باشد. مادرش نیز در آنطرف حیاط قهقهه می پراک کرده بود و روخت می گسست. وقتی زنک در به صد درآمد او سر اسیمه از جایش جست، اما با زهم مادرش زود تر از او رسید صد از چند لحظه دوتی مرد داخل شدند. یکی از آنها، آقا، شی بلند بالا بود با عاهه و بای سپاه دریش فلعل تنگی و باغبانکی زیاده چشم. دیگری مرد چهار اشانه قوی هیچک بود با ریشی نسبتا آبی و بی طمانی پانصداری به تن. مادر جادوش را روی سرش مزین کرد. و از آنطرف آقای پدرش را راهنمایی کرد. و وقتی که آن دو مرد وارد اتاق شدند دروازه تزیینات فرود روی صورت احمد بست. احمد بلند بخوابید پنجره اتاق رفت و از گزین آن به داخل اتاق چشم دوخت. مرد هاروی صدلی نشستند و مادر روی آنها قرار گرفت. مرد روحانی شمرده شیرده حرف میزد و مادر هر لحظه بیشتر صورتش



چه کسی این دانش آموز را کشت

به اضافه گروهی از دانش آموزان تاجیکان، بهیناد یکی از رفقای دانش آموز، اطلاعیه ای بدست ما رسید که در آن پیش از این از چهره کیف جامعه سرمایه داری وستی که در این جامعه می رود پرده بر میسدارد این نوشته بدستی نشان می دهد که اگر چه باید با یاد سی که گریه انگیز دوست شان را گرفت و منجر به خودکشی شد باید در وجهیانه به نبرد برخاست لیکن این حادثه خود نمایانگر درجه شدت فشار غیر عادلانه ای است که در نظام کند پدهای مثل نظام سرمایه داری وابسته روی می شود. در زیر بخش هایی از این اطلاعیه را می خوانید:

قتل انواع گوناگون دارد، میشود با چاقو شکم کسی را پاره کرد یا دانش را برید یا به بارش راجع نکرد. میتوان کسی را در رخه ای جاداد و با تاحد مرگ بکار کشید مکن است کسانی را هم به خودکشی مجبور کند یا به جنگ بفرستند و از این قبیل، فقط بعضی از انواع قتل در کشور ما منوع است. "پرست"

در اود هفده سال پیش در یکی از خانواده های زحمتکش دهقانی در تاجیکان بدنیا آمد. او در همان ابتدای کودکی مانند همه بچه های زحمتکش کشور ما برای گذران زندگی خانواده بکار برداخت و در پنج زحمتکاران را با گوشت و پوست خود حس کرد. کار بسیار زندگی را دود، همین شده بود، هر کجا کار بود دود هم بود. اچسورت آشکار دیده بود با اینکه زحمتکاران شب روز کاری کنند وضع زندگیشان روز بروز بدتر میشود اما عده ای هستند با وجود اینکه دست به هیچ کاری نمی زنند زندگی حرفه ای دارند. اینها با بیست کینه و دشمنی را دود نسبت به آریبان زور ورز شده بود! همیشه می گفت "ظلم باید نابود شود، تا زندگی ما زحمتکاران بهتر شود."

در ادامه این اطلاعیه پس از اشاره به اوضاع پس از قیام و بازسازی ابزار سرکوب زحمتکاران به وضع کینه خیز تاجیکان تشریح شده است و بطور مشخص با نمونه های فراوان نوع رفتار کینه نسبت به سرمایه داران خونخوار و زمین خواران بزرگی چون صد ها و ایلا چی هانشان داده شده است، کسانی که با فشار مردم دستگیر می شوند اما بدست کینه چی ها آزاد میگردند یا بالعکس از افعال کینه که برای یافتن کتاب به خانه هجوم

می آورد بدست غروشان خرده پا و محروم را به باد کتک می کوبد هم که نشانگر نوع رفتار آنان نسبت به مردم است، نمونه آورده شده است. در ادامه اطلاعیه می خوانیم:

آنها در سرکشی کارگران خرم دره و دهقانان گرناب که بر علیه آریبان خود قیام کرده بودند شرکت داشتند.

آنها خیراله رحمانی که قمار باز و قاچاقچی قبل از انقلاب است و امروز یکی از بهرمان پاسدار انقلاب در عده مامور شلاق فزیدن دست فروشان کرده اند و بدین وسیله می خواهند به مردم بگویند که اینها با است نبودن اجناس و بالا رفتن قیمت ها شده اند، اما خاقل از اینکه مردم زحمتکش ما بخواهی می دانند بخاطر اینکه کینه گشاده سرمایه داران هر چه زود تر بر سر او اجناس کم پیدا می شود و قیمتها بالا رفته است. "کینه است انقلاب" تاجیکان حسین پدر را دود و -

چند تن از همکارانش را که در کار خرابان به فروش محصول خود مشغول بودند بخاطر اختلاقی با فرسوز از خریداران کردن گفت به کینه میرند و آنها را تا سرحد مرگ کتک میزند و به مدت ۸ ساعت زندانی می کنند. زحمتکاران تاجیکان می گویند ما انقلاب - کردیم بخاطر اینکه:

- می خواستیم خودمان کارهایمان را اداره کنیم نه قمار باز و قاچاقچی هایی مثل خیراله رحمانی.
- می خواستیم که زمینهای اسماعیل صدی و جواد اعلای و داود گیلانی و امثال آنها را که بزور در زمان شاه خونخوار از ما گرفته بودند دوباره به خودمان باز گردانیم.

- می خواستیم که کار برای همه باشد تا زحمتکاران مثل علی و پرویز رحمانی مجبور نباشند برای گذران زندگی به هر کاری تن بدهند.

- می خواستیم آزادی گفتار داشته باشیم نه اینکه دوباره مثل ساواکهای سابق به خانه های ما هجوم بیاورند و فرزندان ما را بجزم خواندن کتاب به زندان بفرستند.

- می خواستیم نان، مکن، آزادی برای همه مردم باشد نه زور و قدری و بدبختی. اما همانطور

که مثل آفتاب بر همه تابش است دولت موقت با اصلاح انقلابی در این ماه هیچ یک از خواسته های ما را که بخاطر آن شهید داده ایم انجام نداده است رفیق داود که در همان ابتدای کودکی بدبختی زحمتهای او که همراه دانش آموزان مبارز تاجیکان در اعتراضات صحنه اطلاعیه افشاگرانه بود رژیم خونخوار شرکت داشت نمی توانست هم چنین بدبختی، رنج و دردی که بردوش زحمتکاران است را تحمل کند، تحمل رنج و مشقت داود زمانی که افراد ضد مردمی کینه خیز تاجیکان پدرش را بیاد کتک گرفته بودند با این بافت، گرچه کارهای طاقت فرسا نتوانسته بود داود را از این در آورد و همیشه طبعیت را با دستهای پینه بسته خود خورد میکرد، دیگر نتوانست این وضع را ببیند و وقتیکه کینه چی ها پدر زحمتکاران را بخاطر آوردن خرج بخور و نسیر زندگی ساده کتک زدند، احساسات پاک داود سخت جریحه دار گشت و این بار ظلم و ستم را عمیقاً درک کرد ولی بخاطر جوانی در مبارزه راهی بسیار غلط را پیش گرفت. داود این ضیق زحمتکاران ما در دوشنبه ۸/۷ با عرق جانی که همیشه در کنار دهقانان پیل زده بود و او را کونکی که بارها هشتکی خود را از این پدر میکرد و خود را حلق آویز کرد.

ماتری بدست آوردن آرزوهای داود که همگیان برچیدن ظلم و رهایی زحمتکاران است ما را می بینیم ما کار و کوشش می نمودیم و صیق داود با زحمتکاران را - دنبال می کنیم و کوشش می کنیم که مثل او با شرکت در زندگی زحمتکاران با رنج و بدبختی آنها آشنا شویم، اما آخرین عمل داود را هرگز دنبال نخواهیم کرد. ما مبارزه می کنیم چونکه زنده هستیم و زندگانی را چیزی جز مبارزه با پستی ها و زور فشی ها و بدبختی ها نمی بینیم.

بیاد شهید داود رحمانی گرامی باد!
سرگ برتسنگران دانشمندی و خارجی!
استاد و استاد زحمتکاران اتحاد!
مبارزه تنه راه نجات زحمتکاران!

گروهی از دانش آموزان مبارز تاجیکان و دانش آموزان - ما - مهرماه ۱۳۵۸

روشن گشته، با اقدام صفت خلق و ضد خلق در یکدیگر...
به ارتجاع و امپریالیسم باری میروانند، ضرورت تشریح ای انقلابی و متکی به ماکسیسم-لنینیسم این تنها سلاح برنده طبقات کارگر، کادرا، کادرا، کادرا...
خود رفق در سبقت بیرونی ضرورت تشریح این تنها سلاح تشریح حاضر را به مثابه ارگان تشریح نوشته اند...
می نمایم تا بتوانیم با ارائه نگرش خود منتشر...
دانشگاه جامع می شده است، تشریح مایا غصلت سیاسی تبلیغی و با هدای اساسی تبلیغ و اشاعه دگرگونی پرولتری در بین توده های دانشجو منتشر خواهد شد...
رقعا!

در حالی که مبارزات ضد امپریالیسم سخت ارتجاعی توده های زحمتکاران هر لحظه اوج نوبت میابد، در حالی که سازشکاران و خائنین به خلق هراسان از این موج خشم خلق میشوند چهره گریه خود را پنهان میکنند سازشکاران با امپریالیسم و نقاب صلح بر خ کشیده اند، ضد امپریالیسم گشته اند، افشاگری آنها به ظاهر تحمل مسائل روزانه هستی خاص می باید...
انتشار تشریح ۱۶ آذر ارگان دانشجویان مبارز و پیگیر در راه آزادی طبقه کارگر به نظر ما کامی است در این جهت، در حالی که مرتجعین و وابستگان تبلیغاتی سوسیال...
انتشار اولین شماره تشریح...
اراه گ...

تبریر و تشریح...
انتشار...
اراه گ...



سوسیالیسم تخیلی درین بست

مهرماه

با آشکار شدن این نظام - نظام سرمایه داری - و فشار و نابسامانیهای آن، آموزش مختلف سوسیالیستی نیز شباهت انشکافی این فشار و اعتراض بر ضد آن شروع به پیدایش نمود. ولی سوسیالیسم ابتدایی یک سوسیالیسم تخیلی بود، این سوسیالیسم جامع سرمایه داری را استفاده نمی نمود، ملاقات میکرد، بپس آن لعنت می فرستاد، آرزوی فضای آن را - می نمود، رژیم بهتری را در خیال میروانید و می کوشید ثروتمندان را متقاعد نماید - که استعمار دوزخ اخلاق است، لیکن سوسیالیسم تخیلی نمیتوانست راه علاج واقعی را بنمایاند (لنین - سه منبع و سه جز - مارکسیسم).

مابرای آنکه خط بطلانی بر تبلیغات بیروزی و - بر تعمیم یکسهم و غریبگاری های کسانی را که در زیر نقاب کمونیسم چهره شان را می پوشانند و سازشکاری و خیانت های خود تصویر روشن و نفرت انگیزی از کمونیستهای دهنده افشاء گنیم و چهره واقعی کمونیستها را نشان دهیم و بینیم آنان چه کسانی هستند و چه می کنند تنها راه در راه درمیان شرایط مادی و واقعیاتی دیدیم که به بنیادهای تاریخی پیدایش کمونیستها متصل کرده اند چرا که اعتقاد داریم هر چه بدتر است یک سلسله عوامل مبنی تولید می باید و هیچ چیز بدون زمینه مادی و عقل واقعی نیست. بدین سبب ما در شماره های پیش به پیدایش جامعه سرمایه داری و تضاد اصلی طبقاتی که در درون نظام تازه وجود داشت پرداختیم و متوجه شدیم که مبارزات طبقه کارگر در این نظام بدلیل وجود تضاد بین پرولتاریا و سرمایه داران، امری ناگزیر بوده است و در هر کجا که سرمایه داری قدم نهاد، انگلیس، فرانسه و آلمان ... به همراه خود در عین حال که شکل تازه ای از ستم طبقاتی و استثمار ایجاد کرد، مبارزات آنتی - ناپلر و خود بخودی کارگران با سرمایه داران راهم

پدید آورد. این مبارزه در درجه اول ربطی به وضعیت جغرافیایی یک کشور، به مسائل نژادی و به روتینهای فرهنگی مثل سنن و مذاهب ملط و غیره نداشته است بلکه همان نتیجه تولید سرمایه داری - این واقعیت که در نظام سرمایه داری گروهی بسدیل به استثمار شوندگان و مزدوران بی چیزی شده اند که مجبورند برای مقابله با مرگ دست به فروش نیروی کار - خود بزنند و گروهی با تصاحب ابزار تولید بدل به استثمار کنندگانی شده اند که خون کارگران را می مکند و از نیروی کارشان بهره کسی می کند، عامل اصلی مبارزه کارگران علیه سرمایه داران بوده است.

اری، مبارزه در همه جا - که چنین وضعیتی ایجاد شده، برای پایان بخشیدن به ستم غیر قابل تحسین جریان داشته است. همین مادیدیم کارگران در ابتدا بطور خود بخود و ناگاهانه بجای شناختن علت های اصلی فقر و تیره ریزی خود بجای شناختن ماهیت نظام سرمایه داری و قدم برداشتن در راه نابودی آن بطور ناگاهانه، ماشین را و ابزار کار را طاعت ستمی که بر آنان می رفت می پنداشتند. آنان که در جامعه سرمایه داری با فروش نیروی کار خود زندگی می کردند مشاهده می نمودند، گویا این ماشین است که هر چه قدر بیشتر تکامل می یابد، بیشتر جای آنان را می گیرد و سبب بیکاری و گرسنگی و شدت استعاری می شود. ما بازم توجه کردیم که کارگران در جریان مبارزاتشان روز بروز با مسائل تازه ای روبروی شوند. حال دیگر این ضرورت پیش آمده بود که بروشنی راه مبارزه کارگر پیداشود. چگونگی رهایی و به ثمر رسیدن مبارزاتشان معین گردد. در این شماره می بینیم که اولی ستم کوششها در این راه چگونه تحقق یافت.

باتوجه به آنکه در آغاز شد جامعه سرمایه داری - نتیجه تولید تازه و در عین آن تضاد بین دو طبقه اصلی این جامعه هنوز در مراحل اولیه تکامل خود بود، و مبارزه در سطحی ابتدایی جریان داشت، -

دانش آموزان روشنگر

شهر (تهران) ۵۵ - روشن میگرد. در مدارس جنوب شهر تا نیمه سال تحصیلی معلم وجود ندارد. بیشتر ساعات زندگی شان در مدرسه به بطالت می گذرد، در حالی که تعداد اندکی از مدارس - یا در اختیار داشتن امکانات آموزشی فراوان از جمله گرفته تا کارگاه و آزمایشگاه ... به ماده ترین شکل مطالب را در اختیار افشانی از دانش آموزان که عمدتاً فرزندان طبقات سرفه جامعه هستند قرار میدهد. همینکه که چگونه طبقات استثمارگر با در دست

کسانی هم که در این حل آن زمان جامعه برمی آمدند تحت تاثر شرایط مبنی و موقعیت تاریخی فسرار داشتند. آنان از نابسامانی های جامعه حسرت می زدند، فساد و فحشاری را که در این جامعه وجود داشت می دیدند آنها به سبب طاعت عدم رشد تضادهای طبقاتی، به سبب نابسامانی تکامل نیافت به سبب ناتوانی طبقه کارگر برای یک حرکت مستقل سیاسی، نمی توانستند راه حلی را که تنها سبب پیشرفت جامعه و تکامل طبقه کارگر در پیش رو قرار می گرفت در یابند. آنان می کوشیدند راه حلی نابسامانیها را در ذهن و محیط تفکر خود پیدا کنند. و از این نظر برای حل مسائل به عوض تکیه به عوامل مادی، براه حلی که در عین نابسامانی اقتصاد

می بایست رشد پیدا کند راه حل های ناپخته و ذهنی خود را بر واقعیت تحمیل می کردند. در میان این افراد که پس از انقلاب کمونیسم مرتب بر تعداد آنان افزوده می شد و نمایندگان چون بافک که در انقلاب فرانسه از نافع زحماتشان دفاع می کرد، از چهره های انقلابی آن هستند، سه تن بسیار مشهورند. سن سیمون، فوریه و اوژن. این سه تن از مهم ترین چهره های هستند که بدلیل مشاهده چهره دهشتناک جامعه سرمایه داری بران شدند که راه حلی بیابند. آنان توانستند تکامل جامعه سرمایه داری را بشناسند، هنوز به نقش تاریخی و مبنی که پرولتاریا باید ایفا کند پی نبرده بودند. مسئله مبارزه طبقاتی و ضرورت راهی را که پرولتاریا باید در هم کوشتن بیروزی باید بیابند برای آنان دست نیافتنی بود. و این حقیقت را باور داشتند پس با فاش شدن ذهن خود و به نتیجه حرکت عینس و نیروی پرولتاریا، طرحهایی برای ساختن یک جامعه ایده ال ارائه می دادند. به سبب عدم درک نقش تاریخی پرولتاریا و درک فراتر از طبقاتی از واقعیت جامعه سرمایه داری، ناگزیر به طبقات حاکم پناه میبردند و می اندیشیدند با اصلاحاتی در نظام سرمایه داری - میتوان "جهت بد" آن را معمو کرد. انگلیس در شماره سوسیالیستهای تخیلی چیزی سن سیمون و فوریه و اوژن نوشت:

"به وجه اشتراک بین هر سه و می شود دعوت و آن اینکه آنها خود را نماینده منافع پرولتاریایی که در هر سه تاریخی، شکل گرفته بود، نمی دانستند. آنان نیز مانند روشنفکرانی نمی خواستند در ابتدا طبقه معینی را آزاد کنند، بلکه هدف آنها در آن واحد آزادی تمام بشریت بود. (تکامل سوسیالیسم از تخیل به علم ص ۷) بقوه صفحه ۱۱

گرفتن امکانات آموزشی ماباعت را که ماندن استعداد های درخشان و نیروهای انسانی می شوند و بسا محروم کردن میلیونها تن از همین دانش آموزان از ابتدایی ترین امکانات آموزشی، آنان را بسوی زندگی رنجبار آینده سراسر استثمار می کشاند. این همه "عقوبت دردست طبقات سرفه است که از گریسندی و نیروی انسانی در کارگاهها و کارخانجات خود بهره کسی کنند. پس ناوقتی که طبقات سرمایه دار و نظام سرمایه

برای رهایی طبقه کارگر باید به سلاح مارکسیسم لنینیسم مجهز شد

تظاهرات

زاد رومان چادر فرومی برد . پدر هتوز از کار برنگشته بود و کجا مرد هانیز نقد زوخت نداشتند که منتظر او بمانند . مرد پاسدار دست در جیبش کوف و جیبزوی را روی میز جلوی مادر گذاشت . آنگاه آنها هر دو از جای برخاستند و سرعت از در اتاق و از در حیاط بیرون رفتند .

هتوز پایشان به کوبه ترسیده بود که فریاد صغیه مادر تمام اتاق و بعد تمام خانه شاید تمام محله را فراگرفت . احمد در حالیکه لایه ای از اشک در رخسار حیاط را بنظرش تار کرده بود . لحظه ای ایستاد و بعد سرعت از خانه بیرون زد .

چهره صغلی يك لحظه هم از نظرش دور نمیشد . پادش می آمد آنشب را که صغلی تاد بیروقت در خیابان سر کرده بود . شب اول محرم ، حکومت نظامی صدای مسلسل ها . نم نم بارانی که می آمد او . صورتش را به شیشه چسبانده بود و انتظار او را میکشید و احوالا خیره آمد . آنروزها که در تظاهرات او را روی دروشن سوار می کرد تا وسعت تظاهرات را ببیند .

ناله صغلی را پادش می آمد ، پادش آنروزهاش اتفاق

که آنها هنوز نیامده بود . ماهروز تظاهرات می کردیم و ، گاردی ها ، به طرف ما تیر می زدند . راستی به همین زودی جای ما عوض شد ؟

راستی چرا صغلی گشته شد ؟ . لایه اشک آنوقت ها که با هم جلوی گاردی ها تظاهرات میکرد گشته می شد . می گفتند با شاه جنگید ما ما حالا چی ؟ بخاطر چی ؟ در کردستان که اثری از شاه نبود مگر خود صغلی نگفته بود که ، اینجا اثری از انالیزبان شاه و اینها نیست ؟

آخر گری می خورد که همه کرد ها ضد انقلابی باشند ؟ همه آنها که تیراندازها را با جان و دل توی دماغها میزد جاسی زنده ؟ اگر اینها همه ضد انقلابی هستند پس مردم ، مردمی که را دیومی گوید چه کسانی هستند ؟ نه هیچ به قفس جور در نمی آید . چسرا حالا در جمهوری اسلام باید صغلی را بفرستند که ، به چه های کردها ، را بکشد . و خودش هم کشته شود ؟

، به چه های کردها را که ما به آنها تیر زده بودیم وقتی می دیدی دل آدم گیج می شد ، راستی چه کسی از این جریانات سود می برد ؟ راستی مگر زده ها چه می خواهند که نمی توانند به آنها بد دهند می خواست جواب این سئوالات را بد دهند . پس هر چه فکر میکرد چیزی بنظرش نمی رسید . این

سپاه پاسداران کیمت ؟ چرا می خواهد کرد ها را بکشد ؟ چرا جوانها را به کشتن می دهد ؟ وقتی که به خودش آمد دید که از همایشان خیلی دور شده است و وقتیکه به خانه برگشت دیگر هوا گلاب تارک شده بود .

روزی چند خانه آنها را آزاد م شده بود . صغلی به راهن سپاه می آمد اگر چه او را تاهبشده بود مدرسه نرفت و در حالیکه چشمهایش از گریه پسته کرده بود در کوشه ، حیاط نشست و به آمد و رفت ها چشم دوخت . نزدیک ظهر ، برودر دستش آمد دیدن او آمد وقت .

من توی مدرسه شنیدم چه اتفاقی افتاده و دیدم چه حالی داری راستی را بخوای نمی دروشم چی بگم . آنوقت کافه سفیدی را که تا کرده بود از جیبش در آورد وقت : " سبانهو برایت آوردم ، بازم بسرات سبازم . " احمد کافه را گرفت و باز کرده است اندازه نصف يك ورق استخانی بود هزار نوشته ، بالای آن با حرف درشت نوشته شده بود :

فرزندان خود را از سپاه پاسداران بیرون بیاورید

حدا " روحا " قمع و از لحاظ فکری مسموم میگردد به کاربند از ای سخت و مزدی که داده میشد بقدری کم بود که نه فقط آئنده از کارگران که دچار فشار زندگی و عسرت معاش محتاج قوت لایهوت بودند بلکه اضطراب را تن بگاری داشتند .

اوشن در ضمن با عقاید فلاسفه قرن هجدهم گذران زمان با تمام وجود جنبه های تازه ، در آن هیچ نشانی از سرک قانونند بهای تاریخ و طبیقاتی وجود نداشت آنهاشدا و در این زمان به این نتیجه رسیده بود که انسان محصول اوشن و احوال و بخصوص شوره تربیت محیط خود می باشد اگر مادر زود در تربیت و اصلاح مردم هستیم ، باید که آنان را در شرایطی که بوجد جنایت و سرک شایع قرار دهیم . با همه آنکه در این نظریه اوشن جنبه های مثبتی نسبت به روشنفکران گذشته وجود داشت لیکن در آن يك نكته اساسی در نظر نمی شد . اوشن نمی توانست درک کند که شرایط خارج از هستی جامعه وجد از انسانها می گذارند شرایط تنبها و تنبها حضور زندگی آنان بوجود می آید نیست . و اینکه عقابلا " اضا و احوال اجتماعی زاننده کار و فعالیت انسانیست و در نتیجه انسان ها در جامعه و در شرایط با اشرطیه نفسی های مختلف می بایند و به این ترتیب به طبقات گوناگون تقسیم شده اند و شرایط جامعه ، شرایطی طبقاتی است و در چهارچوب جامعه طبقاتی ، در جامعه ای کسسه گرفتار نظام سرمایه داری است حقیقتا " امکان آنجهان تحولی در شرایط که سبب از بین رفتن ضایعات و نواج نمود ارضای دیگر قسم طبقاتی باشد و سبب اصلاح و تربیت " وجود ندارد . و تا زمانی که طبقات حاکم با بر جایند و سرنگون نشده اند انتظار اصلاح نظام سرمایه داری بسود ندهد ها و جلوگیری از متهم و ضایع بوج است هر چند که ما بگوئیم با وجود اوردن -



اوشن که در سال ۱۹۷۱ در یک کارخانه در فرانسه در جمعیت روشنی در انگلستان به یاد داشت که اوشن به شاکرتی بی بی یک تاجر گرانگونی در فرانسه می آمد و اوشن بعد ها شرایطی که در آنجا بود را در یاد داشت و در آنجا بود که بطور هر چه روشن تری چهره جامعه سرمایه داری را تجربه کرد . خود او شرایط نیولا تارک را در زمان رفتن خود اینگونه تعریف می کند :

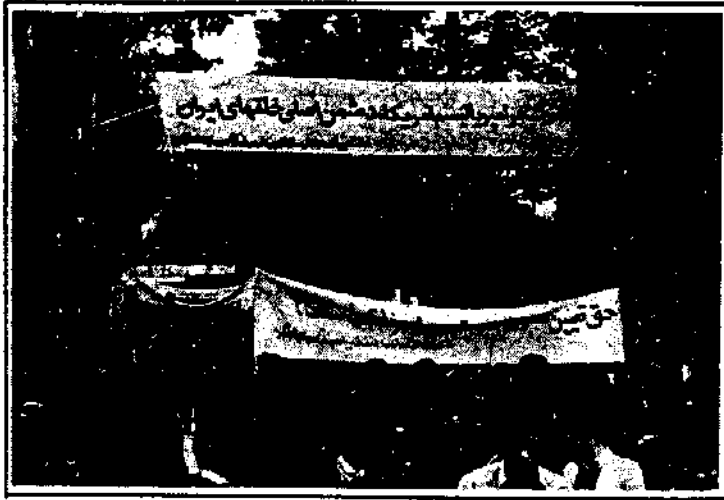
" بالغ بر ۲۵۰ نفر کارگر با غلظت خود در آنجا زندگی می کردند . . . در حدود ۵۰۰ نفر از کارگران را اطفال کوچک تشکیل می دادند که " بنگاههای " خیره شهر مجاور جمع آوری کرده بودند ، معمولا " اینها از پیش سالگی بکار کردن واداری می نمودند ، مدت کار روزانه از ساعت ۶ صبح تا بعد از ظهر و او داشت اطفال معصوم اغلب با مرک زهر بودند و اگر چه ای از آنان از جنگال مرگ رهاس می یافتند و زنده می ماندند

گمونیست ها

آری این سوسیالیستهای تحلیلی میخواستند " عدالت " را با بگین متم کنند ، اما چگونه ، از چه راهی ، با کدام نیرو و اساس چه قانونند بهای ثانوی و اجتماعی ؟ اینهمه برای آنان ناشناخته بود ، آنان فکر می کردند ، کافی است اندیشه های خیالی آنان برای گرداندن آن جامعه معینی برای طبقات حاکم و مردم شناخته شود ، همین که به طرحهای ذهنی آنان می برده شد ، میتوانست دست به دست هم برای نابودی فساد و نظام موجود پیش روند . چیزی که برای آنان مطرح نبود ، این قانون بود که این هستی اجتماعی است کسسه شعور افراد و طبقات را تعیین می کند ، و شعور می بردن به يك " طرح " نمی تواند شرایط اجرائی آن را فراهم آورد ، چرا که این طرح " متعلق این سوسیالیستها بود ، آن طبعه را به خاطر می اندازد و در بخود طبقات حاکم در برابر طبقاتی که با منافع آنان متفاوت است ، به مقاومت دست می زند و اگر چنین طرحها پس از منتشر و تبلیغ شود با همه وسایل در برابر آن می ایستد و اثر نابودی می سازند ، برای نمونه اوشن یکی از مشهورترین سوسیالیستهای تحلیلی را مثال می زند ما هر روز زندگی او به ضعف سوسیالیستهای تحلیلی می می بریم :

علکرد و آرا و نظرات ، رابرت اوشن ، بخوبی نشان می دهند که با همه تلاشی که او چه نسبت نابودی و فساد نظام سرمایه داری بخرج داد تا با همه چیز در دنیا سعی کرد به مسائل بیرون از باطن خود بپردازد و با احوال های ذهنی هند ارضای بوج خود ناکار بود ، واقعا " به آنچه ظلم و جور اجتماعی می بایند زنده و از همه بهتر مبارزه بر طرفتار از استسوی پیروزی هت آیت کند .

گزارش راهپیمایی ...



به منظور شرکت فعالتر و وسیعتر در جنبش اوج پاینده ضد امپریالیستی خلق دانشجویان و دانش آموزان هوادار سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر در روز دوشنبه ۱۲/۱۲/۵۸ از جلوی دانشگاه جمشود دانشه تهران تظاهراتی برپا ساختند. صبح فشرده تظاهرکنندگان با شعارهای "بازگشت شاه خائن، اعدام شاه خائن، کوچکترین خواست خلق، بهترین خواست خلق، نابودی آمریکا، نابودی ارتجاع"، "خون شهیدان خلق می دهد تا بسن پیام: "مرگ بر آمریکا، مرگ بر ارتجاع"، "سرمایه آمریکا بفتح زحمتکشان توفیق باید گردد" و... یکصد و هفتاد و نه در خیابان انقلاب به حرکت خود ادامه دادند. طرف سفارت آمریکا همپارسی کردند شعارهایی چون "آمریکا تو خالی است، دستت نام گواهی است"، "ارتجاع پوشالی است، کردستان گواهی است"، "کرد، عرب، ترکمن، ایران، آمریکا، سرکوبگران خلفا همه دست امپریالیسم" و "آمریکا، ارتجاع مرگ به نیرنگ تو، خون شهیدان ما می چکد از چشمتو"، "صدای انزلی، خلق دلاور کرد، مبارز واقع علیه امپریالیسم" و... تظاهرات امپریالیسم و ارتجاع داخلی در سرکوب خلفای تحت ستم میهن را روشن می ساخت و از آنجا که مبارزه با امپریالیسم جدا از مبارزه با ارتجاع نمی تواند صورت گیرد، شعارهای ضد امپریالیستی هرگز با شعارهای علیه ارتجاع همراه نگردد تنها به ارتجاع حاکم می تواند در پوشاندن چهره خویش درین نقاب ضد امپریالیستی کمک کند.

با قانون خیرگان همچنان پابرجاست"، "رای مابعد قانون اساسی، نه شیت، نه تقی، تحریم انقلابی" به افشاکاری دست می زدند. اندر راهپیمایی پرشکوهِ ضد امپریالیستی که با شرکت بیش از ده هزار نفر برگزار گردید با استقبال مردم روبرو گردید (که با صف تظاهرات تیزی پیوستند) و در همین حرکت جز با معبودی (فریب ۲۰ نفر) فریب خورده و ناآگاه و بی‌الت دست که در جلوی صف با شعارهایی به نفع قانون اساسی "خیرگان" حرکت می کردند برخوردی نکرد. این راهپیمایی در حدود ساعت ۶ در جلوی سفارت آمریکا به پایان رسید "دانشجویان مبارز طرفدار آزادی طبقه کارگر" نیز در این تظاهرات شرکت داشتند.

در راه آزادی طبقه کارگر برگزار گردید. که حرکت آن در خیابان انقلاب و از چهارراه صدق بطرف راه آهن بود. بطور عمده همان شعارهای روز دوشنبه در فضای خیابانهای اطراف راهپیمایی طنین افکن بود. فریادهای خروشنده و شتهای گره کرده تظاهرکنندگان صفوف ارتجاع را در برابر تظاهرات ضد امپریالیستی فشرده تری ساخت و از همان ابتدای حرکت نیروهای مرتجع و وابسته به ایجاد آشکاذنی در راهپیمایی پرداختند. نقطه "اوج امپریالیسم" حرکات ضد انقلابی حمله فربه بدشتهای کهن پوش در خیابان صدق به صفوف تظاهرکنندگان بود که با خشم و نفرت مردم روبرو گردید. این اعمال نشان می دهد که ارتجاع نه تنها قادر به مبارزه با عظیم امپریالیسم نیست بلکه تا چه حد آزادانه "مبارزات و گسترش و تعمیق آن می نماید.

از سوی دیگر از آنجا که هیئت حاکمه می کوشید از جو موجود در رسمیت بخشیدن به برق پاره های مجلس خیرگان خود خود جبهه تظاهرکنندگان با شعارهایی چون "این قانون اساسی، جامه سی سرپایه در افتاب باید گردد"، "تقریب ستم، استمرار

هدانند این تظاهرات در روز دوشنبه با اهکازی دانشجویان مبارز طرفدار آزادی طبقه کارگر" و "دانش آموزان و دانشجویان هوادار سازمان پیکار

خواست که از منافع خصوصی خود بسود همه مردم بگذرند. نگاهه چیز وارونه شده روحانیون اثر انگیز گردند و ولت های بیوزاری قصد جانش را نمودند. اواخر سال ۱۳۵۸ به آمریکا رفت تا شاید ایجاد آزادی دیگری موفقیت کسب کند.

اما طرحهای اوین هیچگاه جامعه عمل نیفتید؛ زیرا تجربه او محکوم بوشکستی بود. او اساس نظام سرمایه داری را شناخته بود، او قوانین مبارزه طبقاتی و قانونمندیهای تاریخی را که هنوز کشف نشده بود نمی شناخت و ناآگاهانه در پی تخیل خود گام برمی داشت. انگس در مورد اوین می نویسد: "گرویدن به کمونیسم (ابتدایی) لحظه بحرانی زندگی اوین بود تا وقتی که نقش بشر دوستی افکار کرده بود تحول و تغییر و عزت کسب کرد و مورد تصدیق تا به قدری گرفت و بیش از هر کس در اروپا مقبولیست عامه داشت. نه تنها بوند واری بلکه مردان سیاسی و شاهزادگان هم بحرف های او اهمیت می دادند و او را تحسین می نمودند و کسی هنگامیکه مروج کمونیسم (ابتدایی) شد تمام این ها تغییر کرد... از اجتماع رسمی بهیچ درستی ۱۱

که لایق انسان واقعی است داشته باشد در این صورت بشر نیز مانند نیولا نازک تغییر کرده بصورت جدیدی درمی آید. برای این منظور و باید زمین بوسیله لایق تولید در مالکیت عمومی جامعه باشند. آری، اوین در جریان عمل در یافت که باید مالکیت خصوصی پایان یابد. در این نظرات اوین، نظریات سوسیالیستی بود، اما سوسیالیسم تخیلی، اوینسین چگونه می خواست مالکیت عمومی را برقرار سازد، اوینسین منافع و مبارزه غیر آیمز مستقل پروتار را اعتقاد نداشت. اوینسین توانست فکر کند: چگونه طبقات مختلف که با هم مبارزه می کنند، بر طبق منافعشان عمل می کنند و بیوزاری هیچگاه دست روی دست نخواهد داشت و با نظرات تخیلی او موافقت نخواهد کرد و تنها آنجا اجازه اصلاحات را خواهد داد که بسود او و در جهت تحکیم ستم و جور سرمایه داری باشد اقدامات اوین در نیولا نازک در ابتدا نظریه را جلب کرد سرمایه داران از انسداد و سنی او حرف می زدند و دولت بیوزاری انگلستان او را تحسین می نمود. اوین به سلاطین اروپا حتی نیکی اول امپراتور روسیه شاه های متعددی فرستاد و خواستار جدجری نظرات خود شد. در ابتدا حتی روحانیون هم گروهی او را پسندیده بودند، آن را تأیید می کردند، اما همینکه اوین خواست بیش از پیش در سطح جامعه به تبلیغ طرحهای خود بپردازد، واظیفات حاکمه

کمونیستها ...

یک حصار بد فروخود و در محدوده ای کوچک پندارها خود را پیاده کنیم قادر نخواهیم بود. آن را در سطح جامعه علی سازمان وحشی در همان محدوده اسرار ناپر ابری را زمین بصریم. اوین در نیولا نازک، مدبر کارخانه ای بود که چند هزار نفر کارگرداشت و از این روشرا پیروا بر اجرای آراه خود که چیزی جز تخیل و توهم بسرای بر اکرین، جامعه معانی عادلانه، نبود مساعد دید. اوین برای کارگران دکاتی بوجود آورد که کالا رایه قیمت خرید شده بفروشی می رساند و چیزی نقد را در کارخانه لنگورد و از امتداد کودکان بسیار کسب سال امتناع ورزید و آموزشدها و کلا سهای شبانه برای کارگران بوجود آورد. فعالیت های اوین البته تأثیری بر شرایط کار و زندگی کارگران نهاد. آنان با علاقه به شرکتکار می کردند. اما آیا واقعا در اینجا ما انسان مستم صبره کسی از زمین رفته بود؟ پس سود کارخانه از کجا بدست می آید؟ اوین بر فراری عدالت را در جامعه بشری اینگونه می دید: "هرگاه اطفال تربیت صحیحی ببینند بزرگها به نسبت نتایج زحمات خود تشویق شوند و هر کس که در کارهای عموم شرکت می کند زندگی

کونیستها....

برگنارشد! روزنامه هاد را لمراف اوتولشه
سکوت چندند وند ترازهه تجربیات کونیست
اودر آمریکا با عدم موفقیت مواجه گشت. تمام
سرمایه خود را در این راه بکارانداخته
بود و شکست شد.
اوستقیما" به کارگران روی آورد و دست سسی
سال بین آنها با فعالیت زندگانی سسی
خود را گذراند. (انگلس)

نظرات سوسیالیست های تخیلی قادرند بود
درین درک فساد و ظلم در جامعه سرمایه داری، راه
درستی به طبقه کارگرنشان دهد، و مبارزه خود بخود
اودر رجبهتی که می باید سیر کند، راهنمون سازد.
سوسیالیستهای تخیلی، هنوز از قوانین مادی تاریخ
از مبارزه طبقاتی و از ضرورت بسیج طبقه کارگر
برای سرنگونی نظام سرمایه داری بی اطلاع بودند،
برای همین هنوز به سائل عینی جامعه پاسخ نسی
نی توانستند بدهند، این بمهده مارکسیسم بود که
با جمع بندی تمام تجارب و بر اساس همه پیشرفت های
که در شرایط جامعه و در حوزه علم چه در زمینه اقتصاد
و چه در زمینه فلسفه وجه در رابطه با کوشش های
سوسیالیستهای تخیلی ایجاد شده بود راه رهایی
طبقه کارگر را بنیاد. آنها به بکروزه بلکه
اساس مایه و سالها فعالیت و سنجش مبارزات -
لیفاتی در تمام کفر های سرمایه داری -
آری، تجربیات اوین، شکست خورد، اما
این شکست تنها شکست از راه رهنمود های پندارگرانه
وتخیلی بود و راه را برای پدایش علم رهایی طبقه
کارگر، طمس که گشتی بردن واقعیات مبارزه طبقاتی
بماند فراهم ساخت. آن علم مارکسیسم است.

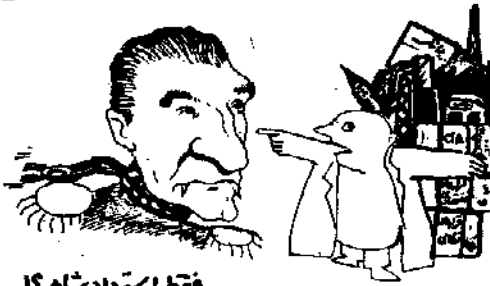
دانش آموزان زحمتکش....

داری وابسته در جامعه وجود دارد، نمایندگان
سرمایه داران و زمینداران وابسته و مترجمین هرگاه
از ظلم و دانش روند آگاهی توده ها برای ادامه
ستم و استثمار خود بر توده های محروم سرمایه
کوتی را حفظ خواهند کرد و نباید انتظار دیگری -
داشت.
وقتی که نیروهای انقلابی شعار بکنان ندن -
مذازی، زبانه شدن و هوس و اجباری بودن
تحصیل تا پایان کلا سهای متوسطه و... را طرح
می کنند در مورد تحریف مسئله برآمده در مقابل
بعضی خواستها سکوت کرده در مقابل مثلا "شماره
اجباری بودن تحصیل متوسطه جوانان می گویند
نی شود کسی را بزر به تحصیل واداشت. اما
ما می کویم همه افراد جامعه خواهان تحصیل
هستند. این فید اجباری بودن تنها دولت را -
مجبور می کند که شرایط لازم را برای ادامه تحصیل
فرزندان زحمتکشان فراهم گرداند، برای دانش
آموزان زحمتکش هزینه تحصیلی اختصاص دهد
تا بتوانند به جای رفتن به سرکار که توان ورش آنها
را برای درس خواندن... می کورد فعالانسه
به تحصیل علم بپردازند.
باید امکانات آموزشی یکسان و کامل (از جمله
نقشه در صفحه ۱۴



معد ورنیست
شکارهه توده ها و زحمتکشان بخش انهنش
کینه گد ازان خود را فریاد کنند و نشان دهند کسه
آنان نه تنها ایای از مبارزه طبقه امپریالیسم
ندارند بلکه جانیازانه خواستاران مبارزه اند.
بگذر ایامردی توده ها و دلا روی آنان در برابر خواست
طبقه شان، راه را بر هر مانع و نیروی سینه بند و پیش
انهنش بر حمانه های مقاومت توده ای را خونین تنس
کند. اگر ارتجاع با داد و فریاد های مزبوانه می خواهد
خلق را از مبارزه واقعی بازدارد، اما خلق با
نعره های خوش، تیریزی توفنده خود را آشکار
می سازد، و در سیلاب عظیمش آن نیروی قدس
می کشد که در وقتامش کونده اش بر بوزه پیرو خونخوار
امپریالیسم حمله ها فریادند: میرگ بر آمریکا، میرگ بر
آمریکا، میرگ بر آمریکا.
آری، اینک تمام نیروهای آگاه، همچنانکه تاکنون
کوشیده اند باید همه توش و توان خود را در خدمت
روشن کردن هر چه بیشتر ماهیت کل امپریالیسم
صوریه امپریالیسم آمریکا، بکار گیرند تا خلق بیشتر
انهنش با درن واقعی از ذات امپریالیسم، از خویش
باوری نسبت به هیئت حاکمه ای که نی خواهد رونه
می تواند مبارزه ای جدی طبقه امپریالیسم را بیشتر
گیرد بدراید و با تکیه بر نیروی خود، بسوی حصول
نیهای قاطع هر نوع وابستگی به امپریالیسم جیپا و گسر
بیش رود و بناسد اوست که خواست مبارزه ای پیگیر
طبقه غارتگران می باشد و این طبقه کارگراست کسه
باز بری زحمتکشان آزادی و استقلال واقعی را برای
ایران بدروزا فریاد و استش اقتصادی و اجتماعی
وسیاسی تا" من خواهد نمود.

شان و با فریاد هاشان بپیمانند و از هر خانه و هر
کوچه سیلا بی خروشند، براه افتد: میرگ بر آمریکا
میرگ بر آمریکا، میرگ بر آمریکا.
بگذر ایامردی توده ها و دلا روی آنان در برابر خواست
و چهره امپریالیسم غارتگر، توطئه جین و کوبه بیشتر
و بیشتر برهنه شود.
آری، بدینگونه است که تجارزکاری و جیپا و گسری
که جز ماهیت امپریالیسم است، آشکار تر و آشکار تر
خواهد شد و دیگر سازشکاران و مترجمین، این قدرت
بچنگ آوردگان که در اصل دشمن نبرد واقعی توده ها
طبقه امپریالیسم اند، امکان نخواهند یافت، با
های وهوی پوچ و با سر فرود آوردن در برابر خواستهای
کوچک توده انهنکار نهایی طبقه دشمن اصلی ما
یعنی امپریالیسم آمریکا، جلوگیری و فرمان میرگ
امپریالیسم با کونده ای اوج خواهد گرفت: میرگ
بر آمریکا، میرگ بر آمریکا، میرگ بر آمریکا.
بگذر ایامردی توده ها و دلا روی آنان در برابر خواست
بخشند، و لحظه بیشتر تا توده سرطانی سسی
امپریالیسم در همه جا و هر جای وطن آفتاب شوند، و -
لحظه به لحظه بیشتر دریابند که بکارگران واقعی
طبقه امپریالیسم تنها زحمتکشانی هستند که میخوا
هند از بیخ و بن امپریالیسم را براندازند، و لحظه
به لحظه بیشتر دریابند که تا چه حد سازشکاران و -
هیئت حاکمه نه تنها نی تواند بلکه همچنین نی خوا
هد دست به مبارزه ای واقعی طبقه امپریالیسم بسزند،
بگذر ایامردی توده ها و دلا روی آنان در برابر خواست
چگونه و به چه طریق نیروی کارشان را می مکد و در -
این راه سرمایه داران، به جهت منافذشان، در -
دست دست آنان گد آمده اند، بگذر ایامردی توده ها
که مبارزه با امپریالیسم نی تواند انجام بپذیرد، جز
آنکه سرمایه داری وابسته به امپریالیسم از بیخ و بن
فروافتد و این جز بدست خود آنان مقدور نیست
بگذر ایامردی توده ها و دلا روی آنان در برابر خواست
میرگ بر آمریکا، میرگ بر آمریکا.
بگذر ایامردی توده ها و دلا روی آنان در برابر خواست
بزرگ و سرمایه داری که تجارزکارانه حاصل
رنجشان را غارت می کند و بدون برانداختن قدرتمند
که مترجمانه بسود منافع خود شرایط پیدا کردنهای
رایه آنها تحصیل نموده اند، بدون اتحاد با طبقه
کارگر و ترکونی اساسی پیروزی بر امپریالیسم



فقط استر د شاه؟

بقیه از صفحه ۱۵

تظاهرات دانش آموزان

دو خود جمع کرده بود (عده ای که نسبت به دانش آموزان مبارز بسیار کمبودند) و شمارهای " حزب فقط حزب الله ، رهبر فقط روح الله ، پیکره مدارس توسط آمریکا است ، " می گفتند . دانش آموزان به صف ایستاده و در حالیکه شعارها را با صدای بلند تکرار میکردند ، به راه افتادند . شعارهایشان عبارت بود از : " محصل میوزم - ارتجاع ملرز " ، " سرگ

حدود ۱۵۰۰ نفر از دانش آموزان تظاهرات کردند و شعار دادند . فالانژها نتوانستند با شعار دادن ، صفوف آنان را پراکنده کنند و مبادرت به تیراندازی کردند

جمع شدند . اینبار در لشری با فالانژها پیتر آمدند و در حین آن دو سه تا از دختران زخمی شده و از - فالانژها هم زخمی شدند .
روز سه شنبه ۸/۸/۵۸
صبح روز سه شنبه با توجه به اینکه شب دوشنبه نمانده ، شورای شهر در طولین صبحت کرده بود و در ضمن آن دانش آموزان تظاهرات کننده را تهدید

نماینده انجمن اسلامی دانشگاه : " آآن ما با آمریکا مبارزه می کنیم . به همین خاطر باید در بدون خاک خودمان آرامش برقرار باشد . یکی از دانش آموزان : " این حرف کفکی است به امپریالیسم ، چون ما بدون مبارزه با ارتجاع داخلی ، هیچ وقت نمی توانیم با امپریالیسم مبارزه کنیم ."

روستای ما



ی. ع. دانش آموز

(این نامه توسط يك دانش آموز برای هفته نامه ۱۳ آبان ارسال گردید .)
در روستای ما یک سال قبل مدرسه نبود و در ترکیه درس می خواندیم و معلم هم کم داشتیم چنانچه تا کلاس پنجم درس می خواندیم ، مردم روستای ما بالاخره خود تصمیم گرفتند پول جمع کنند تا مدرسه بسازند ، مردم روستای ما بدون کمک دولت پول جمع کردند و مدرسه ای ساختند . حالا مدرسه داریم اما معلم نداریم ، پدرها مان کشاورزی می کنند ، آنها تکمال کاری کنند تا خرج وزندگی تکمال خودشان را در آورند . آنها اسامی می خواهند یک موشور کشاورزی بخزند که قیمتش ۱۰ هزار تومان است . پدرمان آنقدر باید کار کنند تا پول این موشور کشاورزی را بدهند ، جاده روستای ما خوب نیست ما وقتی می خواهیم بیایم مدرسه عبد الله آباد يك ساعت طول می کشد تا به مدرسه برسیم برای اینکه وقت زستان باید آنقدر زمین بخوریم تا به مدرسه برسیم چون جاده روستای ما همه گل است و ما سرمی خوریم هر سال مردم روستای منطقه ما پول جمع می کند تا این جاده درست کنند ولی با زهم این جاده تا سال دیگر خراب میشود .
اسم روستای ما تازه آباد است .

کرده بود با توجه به اینکه روز قبل سازمان جوانان در مکت ، که شماره علیه مبارزات دانش آموزان موضع شیری می کشد طی اطلاعیه ای از ضمن دانش آموزان - اظهار " تاقت " کرده بود و گفت بود که مبارزه



خودشان را با درس خواندن توأم کنند و - تظاهرات نبرد از بند ، بر عده از دانش آموزان به کلاسها رفتند ولی عده " بیشتر از آنها کلاسها را تحریم کرده و در حین آن مدرسه به معماران برداختند . اما بعد از ظهر موفق که مدارس تعطیل شد دوباره تظاهرات شروع کنند . حدود ۵۰ نفر از دانش آموزان دبیرستانهای مختلف در خیابان خیام و دانش وفرح سابق دست به تظاهرات زدند و شعار دادند . فالانژها نتوانستند با شعار دادن صفوف آنها را پراکنده کنند و مجبور شدند با

بر ارتجاع " ، " حقیقت مرتجع با خراج باید گردد " ، " کشته مرکزی شعل باید گردد " ، " کشته امروزی ساواکی دیویری " ، " اتحاد - مبارزه - پیروزی " .
آنها بدست حد و دیکاست راه پیمایی کردند شمار دارند سپس پراکندهگی در صفوف دانش آموزان بوجود آمد . کمد پرتیب يك عده از دانش آموزان از جمع - جدا شده و پراکنده شدند و عده باقی مانده دوباره به طرف اداره آموزش صبروش برگشتند (البته همراهِ با شمار دادن) . در این هنگام علاقه بر شمارها طلی شمارهای " فان و پیشوخ آزاد اولاخ - سرمایه داران بود اول " ، " محوولسون اورمونین جلادی حسنی رانیز میدادند . سببه جلوی آموزش صبروش که رسیدند تا ساعت ۱۲/۵ شمار دادند ، اطلاعیه هایس که از طرف فالانژها پیش گردید و در آن عمده دانش آموزان محکوم شده بود ، توسط دانش آموزان پاره شد . ظهر که دانش آموزان در جلوی اداره آموزش صبروش جمع شده بودند ، ردائی ، نماینده انجمن اسلامی دانشگاه به میان دانش آموزان آمده و با صدای بلند شروع به صحبت کرد . بعد يك بلندگوی دستی آوردند . او ضمن صحبتهایش گفت که " ، آآن ما با آمریکا مبارزه می کنیم . به همین خاطر باید در داخل خاک خودمان نهایت آرامش برقرار شود چه همین خاطر شماها نیز نباید دست به تحمض و تظاهرات بزنید و این عمل شماستعمیما " به امپریالیسم کمک میکند ، اما یکی از دانش آموزان اجازه خواست و میکروفون بلند گو را بدست گرفته و گفت " ، این آقای کههد که آآن ما با امپریالیسم مبارزه می کنیم چیه همین خاطر باید در درون خاک خودمان آرامش برقرار باشد . این حرف کفکی است به امپریالیسم ، چون بدون مبارزه با ارتجاع داخلی هیچ وقت نمیتوانیم با امپریالیسم مبارزه کنیم " .
نماینده انجمن اسلامی نتوانست دانش آموزان را بفریبد . دانش آموزان حرف او را تائید نکرده و حرف درست خودشان را تائید میکردند و با گفتن صحیح است نظر موافق خودشان را تکرار میکردند . بعد دانش آموزان پراکنده شدند . بعد از ظهر ساعت ۲/۵ دانش آموزان دوباره جلوی اداره آموزش و پرورش

دانش آموزان زحمتکش

آزمایشگاه ، کتابخانه ، زمین ورزش و . . .) برای تمام مدارس ایجاد کرد .
اما همانگونه که گفتیم دولتتاشی از این دست قادر به حل این مسائل نبوده و نخواهند بود و حل این مشکلات در گروهای جامعه از تقویت وابستگی به زبوتکمدن حاکمیت سرمایه داران و زمینداران و . . . و در نتیجه برقراری جمهوری دیموکراتیک خلق (یعنی حکومت کارگران ، دهقانان و سایر زحمتکشان به رهبری طبقه کارگر) میباشد .

حق تعیین سرنوشت ، حق مسلم خلقهاست

تظاهرات دانش آموزان دبیرستانهای ارومیه

ملرزود؟ مرگ بر ارتجاع، مرگ بر افلا تژیست - صدای این دانش آموزان، متحصن در سالن نیزهها به ریکته وضمنای آنها می که در بیرون از حیاط بودند، وارد اداره شده و همگی شعارهای فوق را با صدای بلند دادند. بعد به درختان اداره هجوم برده برای خود جوب شکسته تابان* مورین حرفهای کیمیت (افلا تژها) مقابله کنند. آنها چهارادار - دست گرفته بودند و شعارهای مرگ بر ارتجاع -

دانش آموزان در حیاط آموزش و پرورش با صدای بلند و کوبنده شعار می دادند:

"دانش آموز می زدم ارتجاع می لرزد"

« دانش آموز هرگز - ارتجاع ملرزود... » اتحاد، مبارزه، پیروزی... و در حیاط اداره میدادند. در این چنین بود که پاسداران کمیته مرکزی (کمیته مرکزی در چینه هدی اداره آموزش و پرورش است) رسیدند و با « ۳ - تیرهای هوایی شلیک کردند. ضمنای در این هنگام یعنی افلا تژها هم با تلبانیچه های خود شلیک میکردند. با شلیک شدن تیرها دانش آموزان به دو گروه تقسیم شده و در حالیکه « مرگ بر ارتجاع » میگفتند. اداره آموزش و پرورش دور شدند و مدت یکساعت در کوبه های نزدیک اداره آموزش و پرورش شعار دادند.

در حالیکه برای مقابله با پاسداران، بیشتر دانش آموزان در حیاطان سنگ گذاشته بودند. در جریان تیراندازی پاسداران یک نفر از دانش آموزان زخمی شد. مقابله مستقیم پاسداران با دانش آموزان باعث شد که آنها همچنین مردم، پیشانیهای مهابت هیئت حاکمه می ببرند.

- روز دوشنبه ۵۸/۸/۲۸
امروز که دانش آموزان نسبت به اعمال دیروز



می گیرند، پاسداران شعارهایی علیه متحصن کنندگان می کوشند به مقابله بپردازند.

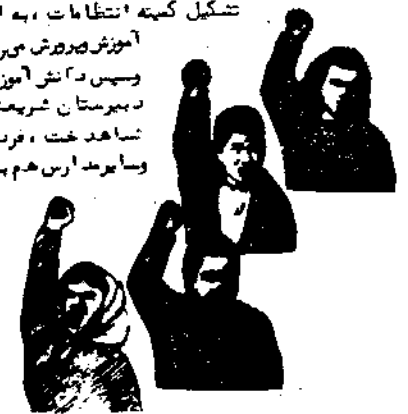
ملاحسنی مرتجع، نماینده امام بشیرمانه روسری یکی از دختران را از سرش کنده و با سیل او را به زمین زد.

ارومیه مبارزه دانش آموزان ارومیه اتفاقاً تازمانه یافته است و درست در زمانی که هیئت حاکمه بر شهرو مبارزه خدا میبایستی می دادند، دانش آموزان با مبارزه شان نشان می دهند که ارتجاع تابه چه حد از آبرودن خواستههای ابتدایی آنان مبارزه می زند و دست به سرکوب مبارزاتشان می یازد. دانش آموزان دبیرستانهای ارومیه که خواستار یکسره شدن کلاسهای درس هستند پس از آنکه در برابر خواستههایشان از طرف مدیران مدارس ارومیه پاسخی نشنیدند، بعد از دهفته انتظار، مستقیماً به « حقیقت » مدیر آموزش و پرورش استان ارومیه مراجعه کردند. و خواستار رایا اورمان گذشتند مدیرکل، بابی اعتنایی درخواست دانش آموزان را رد کرد. دانش آموزان در جریان چند برخورد بیشتر از پیش با چهره واقعی و حقیقت آشنا شده بودند. از جمله حقیقت در رابطه با خواستههای دانش آموزان دانشسرای راهنمایی دست به اعمال خشونت آمیز زده و بجای پاسخ به خواستههای آنان، بوسیله مزدوران کمیته به دانشسرا حمله کرده و ده ای از دانشجویان را زخمی نموده. گفتنی است که همین جریان ملاحسنی مرتجع نماینده امام بشیرمانه روسری یکی از دختران را از سرش کنده و با سیل او را به زمین انداخته و حتی یکی از دانشجویان پسر را با مشت شکسته بود. و حدود ۲۰ نفر از دانشجویان را دستگیر به کمیته برده بودند.

دری این حوادث بود که دانش آموزان تصمیم می گیرند در مقابل « حقیقت » این عامل سرسپرده ارتجاع، شدت عمل بخرج دهند و به اداره آموزش و پرورش رفته متحصن کنند.

بدین ترتیب ساعت ۱۰ صبح ۵۸/۸/۲۷ همه دانش آموزان دبیرستان معنوی، بطور منظم و با تشکیل کمیته انتظامات، به اداره آموزش و پرورش میروند

و سپس دانش آموزان دبیرستان شریعتی شاهدخت، فردوسی و سایر مدارس هم به آنان



می پیوندند. در همین زمان پاسداران هم به اداره آموزش و پرورش می ریزند ولی دانش آموزان تصمیم می گیرند تا زمانیکه پاسداران از اداره بیرون نروند هیچیک از مسئولین به گفتگوشنند.



فلا تژها که حتی مسلح به طپانه هم بودند می کوشند دانش آموزان را از اداره بیرون بیاورند.

پاسداران به خشم آمده بودند، هرچه بیشتر



دانش آموزان قهرمانه و از مدرسه خارج میشوند.

• بهائی در بناب زیاد است.

بخشم آمده ایجاد کنند، و حالا به نیروهای مبارز و انقلابی که سالها زیر شکنجه و دستاویز...



بنا

چهارشنبه بتاریخ ۲۲/۸/۵۸ ناگهان همه‌های بیست و پنج ساله مدرسه ایجاد می شود که بهائیان هارامی خواهند اخراج کنند. وقتی که خوردن...

دانش آموزان بعد از تمام شدن راهپیمایی به نزد مدیر مدرسه رفته و از وی میخواستند که رئیس آموزش پرورش آمده و به آنها جواب بدهد...

آخرتها و متعین بنای : دانش آموزان بهائی و ایستاده هستند و پاییز از مدرسه اخراج شوند!

نکرده، برگ برنمود، وی می گویند خوب اسمها - بنای را می گویم خلاصه بهائی - شانه ای - و آخوند واعظی بچه ها همگی با اعتراض برخاسته میگویند که ایشان اعتراض فراموش بناب که یکی پاسدار دیگری آخوند آن یکی دیگر از جاق بدستهای بناب است...



لیدیم

بیتن بیرگی:

روزشبه ۱۹ آبان ماه کلیه دانش آموزان دبیرستان امیرکبیر، بخاطر برآوردن شدن خواست هایشان از رفتن سرکلاس خود داری کرده و مدرسه را تعطیل نمودند.

بیرگی از کس: مدیر: هیچ کس حق ندارد بحث سیاسی کند، وظیفه شما مدرسه آمدن و درس خواندن است!

مدیر دبیرستان رازی، بحث سیاسی را در داخل دبیرستان ممنوع اعلام کرد. او گفت "هیچ کس حق ندارد بحث سیاسی کند و وظیفه شما مدرسه آمدن و درس خواندن است اگر بحث سیاسی شود مقصود آن کسی است که بحث را شروع کرده است. این دستور امام و دولت و وزیر آموزش پرورش است که بسبب تمام مدارس ابلاغ شده است"

بیرگی از کس:

درین نظاهرات دانش آموزان و مردم علیه شورا ی قلابی شهر، همیشه برای رسیدگی از سرگزار اعلام شد. در رابطه با این موضوع یکی از نمایندگان هیئت همراه با احدی برای دانش آموزان دبیرستان رازی سخنرانی می کند. سخنران از اینکه مردم، شوراها ی قلابی را تندی برتفه بودند، گه می کند می گوید: ... انقلاب را شما کردید پس چرا الان که حکومت جمهوری اسلامی است نسبت به حکومت بی تفاوت شده اید و حتی دست به نظاهرات و راهپیمایی می زنید ... او ارضن صحبتش به نیروهای تفرقی حطسه کرد و گفت: ... این روشنفکرانی که دم از خلقی کرد می زنند ... این سازمانها و گروههایی که پشت سرهم تق می زنند، روحانیت را انحصارطلب می دانند، همیشه بودند که تا دیروز با رژیم شاه سازش می کردند و حالا ادعا می کنند ... پس از سخنرانی او دانش آموزی بعنوان اعتراض می گوید "بیشتر کسانی که الان سرمدار و کاره بی شده اند، درمت همانهایی هستند که در رژیم متف...

دانش آموزان قهرمانه و از مدرسه خارج میشوند.

روزشبه ۱۹ آبان - در دبیرستان "نصیری" بین قلا نژها و هیواداران مجاهدین که در کوشه حیات کتاب پرستری فروختند درگیری اتفاق می افتد که منجر به پاره کردن پلا کارها، پوسترها و کتابها، مجاهدین وزخمی شدن یکی از هیواداران مجاهدین خلق می گردد.

شرح حادثه از این قرار است که: انجمن، قلا نژها تصمیم می گیرد که کتاب روزنامه از هر گروه با سازمانی در حیات سوم (که در افتاده و کثرت اتفاق می افتد که کسی بدانجا برود) فروخته شود با این تصمیم هیچکس از جفته مجاهدین حواقت نداشتند. بر سر همین قضیه وقضایای دیگر برخوردی بین قلا نژها و مجاهدین رخ می دهد. قلا نژها با شمار، مجاهدین متناقض پیوندتان نابود است، "کمونیست، مجاهد پروگشوه، به هیواداران مجاهدین حطسه میزنند. که در این بخش مرتجمانه تمام کتابها پرسترا نسی که مجاهدین علیه آمریکا درست کرده بودند پاره می کنند. هیواداران با طانت و پرهاری بسیار فقط با شمار، آمریکا، آمریکا، دشمن خلق ایران، با مرتجمین رهرو می شوند. این درگیری با وساطت یکی از معلمین و دانش آموزان مبارز پایان نمیدبرد.

کوشه: وای به روزی که شود آشکار نقش تو ای مرتجع جیره خوار!

بر اساس خبرهای رسیده عوامل ارتجاع با همکاری ساواک برای کنترل و تنقیح عقاید مبارز داری از افشای هر چه بیشتر هیئت حاکمه، دانش آموزانی را تحت لوای حمایت از اسلام اجبر کرده هیواداران حقوق و آموزش لازم، آنها را برای خبررسانی و تحت نظر داشتن مبارزین، استخدام می نمایند!



- ۱- ما خواهان ملی کردن سرمایه ها و صنایع وابسته به منظور رفع مسئله بیکاری هستیم.
- ۲- حلقه به اجتماعات دانش آموزان تهرانی و شهرستانی در روزهای اخیر محکوم نموده و خواهشمان مستکبری و مجازات مسبب حملات هستیم.
- ۳- ایجاد کار برای کتبه بیکاران در سراسر کشور.
- ۴- طغی شدن شهریه مدارس (شماره ۱) در سراسر کشور.
- ۵- آزادی فعالیتهای سیاسی و آموزشی در سطح مدارس در حین راهپیمایی این شعارها داده میشد: "اتحاد، اتحاد علیه سرمایه دار" - "کار برای بیکبار ایجاد باید گردد" - "ارتجاع، ارتجاع یکسره نابود یازد" - "انقلاب، انقلاب همیشه پیروز است" - "اسودر ایووندر، دشمن سرمایه دار".
- ۶- هنرجویان هنرستان شماره ۲ همچنانکه قیلا نیز گفته شده بود، با کمبود دبیر (رسم فنی و فیزیک) و امکانات ورزشی مواجه هستند.



دبیر



تجربیات و مشکلات:

دبیرستان مجتمع آموزشی اردبیل که بصورت پیش ساخته است، در یکی از نقاط نسبتاً دور اردبیل قرار دارد. دانش آموزان این مدرسه بعلاوت دوری راه و اینکه از خانواده های زحمتکش هستند و نمی توانند کرایه ماشین بپردازند، خواستار سرویس رایگان شده اند که یک ماه است خبری نشده است. شورای مدرسه که از نمایندگان دانش آموزان هرکلاس تشکیل شده قرار گذاشته اند که اگر تا تاریخ ۵۸/۷/۶ به آنها سرویس رایگان داده نشود، تمامی دانش آموزان - تحصن کنند و وقتی که تاریخ فوق رسید به خواستهایشان توجهی نکنند در دبیرستان تظاهراتی برپا کردند با شعارهای (یا تعطیل مدرسه بسا سرویس رایگان، شهریه مدارس پرداخت باید گردد)

دانش آموز میرزمد

ارتجاع میلرز



به تظاهرات خود ادامه دادند که در این موقع دانش آموزان با شعارهای تند (مرکز سرمترتجع ما خوندم نمی خواهیم بپرو کهن نمی خواهیم) به تظاهرات خود ادامه دادند و به عمل فوق اعتراض کردند، در این موقع مدیر مدرسه از دانش آموزان خواست که نمایندگان شوراها بمانند و به فرمانداری رفته تا با فرماندار مذاکره کنند. وقتی نمایندگان شوراها به فرمانداری رفتند، فرماندار آنجا نبود، بنابراین به اداره آموزش و پرورش رفتند و وقتی به آنجا رسیدند با رئیس آموزش و پرورش مذاکره کردند ولی او هم به طست کمبود بودجه دولت قبول نکرد که حرویس رایگان شود و چند هفته از این اعتراض می گذرد ولی هنوز سرویس ندادند و مراسم شروع شده است و دانش آموزان که از جاهای دوری آیند منتظر جواب خواستهایشان هستند.



نمونه تجزیه و تحلیل:

دانش آموزان کلاس دوم تجربی مجتمع آموزشی طالقانی، در سرکلاس تعلیمات دینی به سرمجلسی اصله دبیران درس که اداره کننده انجمن اسلامی است اعتراض می نمایند که چرا اعضاء انجمن اصلا کسی اعلامیه های دانش آموزان را از روی دیوارها پاره می کنند. همچنین آنان به نمایندگی های که انجمن اسلامی به اسم دانش آموزان تعیین کرده، اعتراض می نمایند و می گویند آنها منتخب واقعی محصلین نیستند.

سرمجلسی اصل، ادعای می کند که چون امکان دارد دانش آموزان کمنیستها را انتخاب کنند از این رو انجمن اصلا می برای آنان نمایندده انتخاب کرده است. دانش آموزی پاسخ می دهد، در هر صورت هرکس را که دانش آموزان انتخاب کنند، نمایندده واقعی آنها خواهد بود. سرمجلسی که جوابی نداشت می گوید از مرکز به ما اینطور دستور داده اند که دانش آموزان مذکور عصبانی میشوند و می گوید: مرکز غلط کرده است که دستور داده نمایندده در زمین انتخاب کنید.

در اینجا سرمجلسی که بوی از معلمی نبرده صحنه ای می شود و دادن فحش های رکیک میپردازد. و شروع به مفسطه و هووچنجال می کند که نتیجه رهبر انقلاب می گویند غلط کرده است (۱). او توضیح داد که زدن دانش آموزی می کند، اما می ترسد و از زنگل بی بیرون می رود پس از این دقیقه، این دانش آموز راه دفتر احضار می کنند. در دفتر مدیر مدرسه با او صحبت می کند، ولی چون سرمجلسی بینه ای اوضاع بیخ اونیست، مدیران تهدید می کند که اگر شما اندامی نکنید، من ابراهیم سپاه پامداران تحویل خواهم داد. دانش آموزان که این وضع را می بینند در سرکلاس شروع به شعار دادن می کنند، انسان فریاد می زنند: "ساواک بسا، ارتجاع دشمنان"

حلق ما، دانش آموزان باید گردد.

بالاخره در ارتجاع راجه ها، دانش آموزها می کنند و سرمجلسی تنها به پدر او تلعن می کند. سرمجلسی کسی است که واقعا آبروی هر چه معلم را برده است.

او جاسوسی بر سر کلاسها گذاشته تا دانش آموزان مبارز را شناسایی کنند. راجه ها از مترجه ای که از جنب یکی از این جاسوسان خود فروش در آوردند، شماره تلفن کتبه ها، سپه پاسداران و شهرداری و... را پیدا کردند که مطمئنا برای دادن گزارش مورد استفاده قرار می داد.



خواستار دیدار راجاتی شوند معاون وی گفته بود. او اینجانیست وقتی نمایندده های دبیرستان پسرانه با فشار به وزارتخانه می روند می بینند راجاتی در دفتر نشسته و با او شروع به صحبت می کنند که معاون وی نامه ای به دانش آموزان می دهد که روز سه شنبه ۵۸/۸/۲۹ با وی ملاقات کنند و وقتی دانش آموزان می گویند نامه را می بینید وی می گوید وزارتخانه مهردارد و در روز سه شنبه هم دانش آموزان مدارس شهرزاد، خاظمی، غزالی و ستارخان به آنجا رفته پس با زنتواستند راجاتی ملاقات کنند.

روز سه شنبه ۵۸/۹/۳ نمایندده های شاگردان توالیستند راجاتی ملاقات کنند راجاتی به آنها قول داد در باره... حذف دروسی که پارسیال هم حذف شده بود حرفی آنان را نپذیرد.

اخبار کار: مبارزات دانش آموزی



تمنیه

روزنامه شنبه

در هفته اخیر شاگردان یکی از کلاسهای اقتصاد ظهر، دست به اعتصاب زده و معلم را سرکلاس درس راه نمیدهند، آنها هدف خود را از اعتصاب و خواستههایشان را در اطلاعیه ای بدین شرح به دبیر مدرسه زده بودند:

مسئولیت آموزش کلاس سوم اقتصاد ظهر روز یکشنبه ۵۸/۸/۲۷ دست به اعتصاب زده و نتواند برآورد شدن خواستههایمان از پذیرفتن معلمین محترم به سرکلاس درس مسعدوریم.

خواستههای ما بدین شرح است:

- ۱- ایجاد فضای دموکراتیک در مدرسه.
- ۲- دادن کارت انجمن در مدرسه.
- ۳- روشن شدن وضع شهریه و دبیرپوش که تاکنون روشن نشده است.
- ۴- کوتاه کردن دست انجمن اسلامی از مسائل سیاسی دبیرستان.

این اعتصاب پس از چند روز شکسته شد و بسته قبول نماینده ۴ همین کلاس (که آنچه های پیشگام است) اعتصاب با پیروزی پایان یافت. ولی در حقیقت اینطور نیست و مسئولین دبیرستان صرفاً به دادن کارت انجمن (که در هر مدرسه ای یک امر عادیست) اکتفا کرده اند. وضع موجود در دبیرستان کوچکترین تغییری نگذرد است. این عمل انقلابی که نمایانگر اتحاد بچه های این کلاس (نه صرفاً چپ ها) و شاید اکثر شاگردان دبیرستان است. به علت بودن سازماندهی صحیح و نداشتن آگاهی انقلابی و در نتیجه سازش نماینده کلاس با شکست مواجه شد.



روزنامه شنبه

روز دوشنبه ۵۸/۸/۲۸ گروهی از دانش آموزان کلاسهای چهارم دبیرستان دخترانه شهزادخواستار حذف دروس زائدی که بارمال حذف و امسال اداره آنها در کتابهاست بودند. در ساعت ۱۰ شروع به تظاهرات و دادن شعار "مرکز برای سیستم آموزشی ضد خروج از مدرسه و راهپیمایی بطرف وزارت آموزش و پرورش را کردند که مدیر مدرسه از این کار جلوگیری کرد و قبالا نوه های مدرسه به دادن شعار "تعطیل مدارس توسط مدارس توطئه آمریکا است" پرداختند. در همین موقع دبیرستان پسرانه ستارخان به جلوی در مدرسه آمده و میخواستند با دانش آموزان کلاس چهارم بطرف وزارت آموزش و پرورش راهپیمایی کرده و با رجائی دیدار کنند که فشار زیاد این کارهایی نبود ولی در روز آخر خانه وقتی نماینده های دو مدرسه

شبه دوشنبه ۱۷

روزنامه شنبه

گروهی از دانش آموزان دبیرستان آلا دپوش در راهپیمایی دیپلمه های بیکار شرکت نمودند و بعد از ظهر هم بخاطر اعتراض به حمله ارتجاعیون به دانش آموزان و دیپلمه های بیکار در حیطه دبیرستان متحصن شدند.

دبیرستان محبوبه متحدین (بسرورجرد) ۵۸/۸/۱۴ - اکثریت قریب باتفاق دانش آموزان این دبیرستان، ابتدا در حیطه دبیرستان تجمع کرده و سپس بخاطر همبستگی و پشتیبانی از دیپلمه های بیکار بطرف اداره آموزش و پرورش راهپیمایی نمودند.



روزنامه شنبه

در این روز گروهی از هنرجویان مبارز هنرستان بخاطر پشتیبانی از دیپلمه های بیکار و سرورجرد دست به راهپیمایی زده و به همراه دانش آموزان دبیرستان آلا دپوش به دیپلمه های متحصن در آموزش و پرورش پیوستند و فطامه ای بدین مضمون خواندند:

۱- ما خواهان قلم هرگونه وابستگی به امپریالیسم (امتداری، فرهنگی، نظامی) هستیم.

شبه دوشنبه ۱۷



روزنامه شنبه

گروهی از دانش آموزان دبیرستان بخاطر شرکت در راهپیمایی، تهدیدای دانش آموزان و دانشجو ۱ آنان به طرف دبیرستان دکتورشیمی رفتند و در مسیر خود این شعارها را دادند: اتحاد، اتحاد، محصلین اتحاد - و بعد از تجمع در دبیرستان شیمی و دادن شعار "ارتجاع، ارتجاع، حامی سرمایه دار" به قصد پشتیبانی از دیپلمه های بیکار متحصن در آموزش و پرورش دبیرستان راترک کردند.

۵۸/۸/۱۶ - متحصن بخاطر هجوم فاشیستی چپاق بدستان به دیپلمه های بیکار متحصن در مدرسه گستری همچنان در حیطه دبیرستان ادامه داشته و در ضمن آن شعارهای "کار برای بیکار ایجاد باید کرد" داده شد و در فواصل اعلامیه ها خوانده شد. بعنوان مثال: اعلامیه ای از دانش آموزان سلمان خوانده شد و در آخر شعار دادند "اتحاد پیروز است، ارتجاع ناپود است" و "سکوت مقامات، نشانه ارتجاع است".

آنگاه در ساعت ۱۱ با سرود "اتحاد، اتحاد، متحصن خود را پایان داده و دبیرستان راترک کردند.



روزنامه شنبه

۵۸/۸/۵ - ساعت ۴/۵ بعد از ظهر این روز دانش آموزان دبیرستان ۱۷ شهریور به منظور پشتیبانی از دیپلمه های بیکار و سرورجرد در ضمن حیطه متحصن نموده و شعار میدادند: "کار برای بیکار ایجاد باید کرد"، "عادل هر بیکاری ناپود باید کرد"، "الله در این میان حده ای از نقش آموزان ناآگاه و همچنین معاون و تعدادی از دبیران را متحصن آنها مخالفت میکردند.

شبه دوشنبه ۱۷